

﴿قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ﴾ ﴿۳۱﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ

گفت: «ای فرستادگان (الهی)، کار مهم شما (که برای آن فرستاده شده‌اید)، چیست؟» ﴿۳۱﴾ گفتند: «ما به سوی افرادی گنه‌کار فرستاده شده‌ایم؛ ۳۳ تا بر

مُجْرِمِينَ ﴿۳۲﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِن طِينٍ ﴿۳۳﴾ مُسَوَّمَةً

آنان کلوخ‌هایی بیفکنیم؛ ۳۳ که نزد پروردگرت (به منظور هدفی خاص) برای (از بین بردن) کسانی که با از حد فراتر می‌گذرند، علامت‌گذاری شده

عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ﴿۳۴﴾ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

است. ۳۴ پس (از آفتاباتی، مؤمنانی را که آنجا بودند، (از شهر) بیرون بردیم، ۳۵ پس در آن (شهر)، جز (اهل) پاک‌خانه، کسی را که (در برابر ما) تسلیم

﴿فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ ﴿۳۶﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً

باشد، نیافتیم، ۳۶ و در آن (سرزمین)، نشانه‌ای (عبرت‌آموز) برای کسانی که از عذاب دردناک (الهی) می‌ترسند، باقی گذاشتیم، ۳۷ در شهر گذشت) موسی

لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿۳۷﴾ وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ

(نیز نشانه‌ای عبرت‌آموز قرار دادیم؛) آنگاه که او را با دلیلی آشکار نزد فرعون فرستادیم؛ ۳۸ (اما) نتیجه این شد که او همراه (شش‌کریانش که)

يَسْطُلْنَ مِيبِينَ ﴿۳۸﴾ فَتَوَلَّىٰ وِرْكَانَهُ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿۳۹﴾ فَأَخَذْنَاهُ

تکیه‌گاش (بودند)، روی برگرداند و گفت: «(این شخص،) یا جادوگر است، یا دیوانه.» ۳۹ پس او و ساهیانش را مجازات کردیم؛ بدین‌صورت که آنان را

وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿۴۰﴾ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا

با بی‌اعتنایی در دریا افکندیم؛ در حالی که فرعون، سزوار سرزنش بود، ۴۰ در شهر گذشت قوم) عاد (نیز نشانه‌ای عبرت‌آموز قرار دادیم؛) هنگامی که آن

عَلَيْهِمُ الرِّيحُ الْعَقِيمَ ﴿۴۱﴾ مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ

باد بی‌خبر و یرکت را به سوی آنان فرستادیم و بر ایشان مسلط کردیم، ۴۱ (آن باد) بر هر چه گذر می‌کرد، دست از آن بر نمی‌داشت؛ مگر این‌که آن را

كَالرَّمِيمِ ﴿۴۲﴾ وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۴۳﴾ فَتَعَاوَنَ

همچون استخوان پوسیده می‌کرد. ۴۲ (همچنین) در شهر گذشت قوم) ثمود، (نشانه‌ای عبرت‌آموز قرار دادیم؛) در آن زمان که به آنان گفته شد: «تا مدتی

أَمْرِي بِهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْعَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿۴۴﴾ فَمَا اسْتَطَاعُوا

(از دنیا) لذت ببرید و خوش باشید. ۴۳ پس از آن، از فرمان پروردگارش سر پیچیدند؛ پس در حالی که (مات و مبهوت) نگاه می‌کردند (و قدرت دفاع

مِن قِيَامِهِ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ ﴿۴۵﴾ وَقَوْمِ نُوحٍ مِن قَبْلِ أَنَّهُمْ كَانُوا

نداشتند)، صاعقه آنان را فرا گرفت. ۴۴ پس عذاب چنان سریع بود که) نه توان آن را پیدا کردند که از جای برخیزند (و فرار کنند)، و نه خود را (از آن) در

قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿۴۶﴾ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿۴۷﴾

امان‌ناک دارند. ۴۵ پیش از آنان، قوم نوح را (هلاک کردیم؛) چه این‌که آنان، افرادی نافرمان بودند. ۴۶ ما آسمان را با نیرو و قدرتی (وصف‌ناشدنی) بنا

وَالْأَرْضَ فَرَسْنَاهَا فَنِعْمَ الْمُهْدُونَ ﴿۴۸﴾ وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا

کردیم و بی‌شک ما توانا هستیم. ۴۷ زمین را گسترانیدیم، و چقدر (هم) نیکو می‌گسترانیم؛ ۴۸ (و از هر چیز، دو نوع (که مکمل هم هستند)، آفریدیم؛

زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۴۹﴾ فَفِرِّوْا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

باشد که (آفریدگار بی‌همتا را) به یاد آورید. ۴۹ بنابراین (از عذاب) بگریزید و نزد خدا پناه برید. من از سوی او برای شما هشدار دهنده‌ای

﴿وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ ﴿۵۱﴾

روشنگر هستم. ۵۰ و همراه خداوند، معبود دیگری قرار ندهید، من از سوی او برای شما هشدار دهنده‌ای روشنگر هستم. ۵۱

۵۰. به سوی خدا بگریزید: عالم هستی یکسره برای خداست، و مالک حقیقی همه کس و همه چیز، خود اوست. تک تک ذرات جهان برای ادامگی هستی شان لحظه به لحظه به توجّه خدا نیازمندند و با تمام وجود به حضور خدای زنده، زندگی بخش، دانا و توانا اعتراف می کنند. ما انسان ها نیز در این مجموعه ی پهناور، بی آن که خود متوجّه باشیم، دلیل روشنی بر وجود و حضور آفریدگار خویش هستیم. به هر جایی برویم، در پیشگاه او حضور داریم، و هر کاری کنیم، در محضر او کرده ایم. اما برخی از عوامل باعث می شوند که ما از توجّه به خدا غافل بمانیم و گاهی از آن منبع نورانیت و خوبی دور شده، در چنگال تاریکی و بدی اسیر شویم؛ عواملی مانند غوطه ور شدن در زندگی مادی، پول پرستی، شهوت رانی و گناهان گوناگون. از این رو خداوند بهترین بندگانش را مأمور کرده تا ما را از تاریکی ها بیرون آورند و به نور برسانند، و نیز ما را با نزدیک ترین شخص به ما یعنی پروردگار مهربانمان مانوس کنند.

آیه ی مورد بحث به پیامبر ﷺ فرمان می دهد که به همه ی ما بگوید: ای مردم، از بدی ها، تاریکی ها، زشتی ها، غفلت ها و گناهان فرار کنید و به پیشگاه خدا پناهنده شوید؛ خدایی که سراسر نور، پاکی، صفا، مهربانی، سخاوت و بخشندگی است؛ خدایی که ما را از پدر و مادرمان بیشتر دوست دارد و همه چیز را برای سعادت و خوشبختی ما فراهم کرده است. البته روشن است که این فرار سرنوشت ساز، فرار از مکانی به مکان دیگر نیست؛ بلکه فرار از حالتی به حالت دیگر است: فرار از گناه به فرمان بری، از غفلت و بی خبری به توجّه و یادآوری خدا، از هواپرستی به حق پرستی، و از دوستی با بدان و گناهکاران به دوستی و رفاقت با اولیای الهی. در روایات معصومین علیهم السلام، یکی از نمونه های عملی این فرار پرسود، «سفر حج» گفته شده است؛ سفری روحانی و پرمعنویت که انسان را از زندگی مادی و روزمره اش جدا می کند و در گستره ای آرام، باشکوه و ملکوتی قرار می دهد و به او فرصتی می بخشد تا در باره ی جهان هستی و هدف بلند آن بیندیشد؛ به صفات و ویژگی های خود توجّه کند و کمبودها و ایرادهای خویش را بشناسد؛ با یکتا پرستی، ایثار و فرمان برداری بندگان ممتازی چون حضرت ابراهیم علیه السلام از نزدیک آشنا شود و در نحوه ی زندگی اش در آینده، بازنگری جدی کند. در روایات همچنین رفتن به مسجد برای برپایی نماز و راز و نیاز با خدا، نمونه ای از حرکت به سوی خدا برشمرده شده است. البته همان طور که گفته شد، معنای فرار به پیشگاه خدا، توجّه معنوی به اوست، و نه حرکت مادی و مکانی؛ و حرکت ها و سفرهای مکانی هنگامی با ارزش است که با توجّه معنوی به خدا همراه باشد. بنابراین ممکن است چنین حرکت معنوی ای در خلوت انسان و در منزلت صورت گیرد. در مناجات هایی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، می خوانیم که آنان نیز در راز و نیاز خود با خدا، از گریز و فرار به پیشگاه او سخن گفته اند.

كَذَلِكَ مَا آتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ

بدین سان (که قومت، تو را جادوگر و دیوانه می خوانند)، هیچ پیامبری نزد پیشینیان آنان نیامد؛ مگر این که گفتند: «یا جادوگر است، یا دیوانه». ۵۲ آیا

أَوْ مَجْنُونٌ ﴿۵۲﴾ أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿۵۳﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ

(علت این انکار کردن، این است که آنان نسل به نسل) یکدیگر را به آن سفارش می کردند؟! (نه) بلکه آنان، افرادی سرکش اند (و از روی طغیان تکذیب

فَمَا أَنْتَ بِمَلْمُومٍ ﴿۵۴﴾ وَذِكْرٍ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۵۵﴾

می کنند). ۵۳. بنابراین، از آنان روی برگردان؛ زیرا تو (وظیفه ات را به انجام رساندی و) سرزنش نخواهی شد. ۵۴. (و همچون گذشته) پند ده؛ زیرا پند

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿۵۶﴾ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ

و اندرز برای مؤمنان سودمند است. ۵۵. من جن و انس را تنها از آن رو آفریدم که مرا بپرستند. ۵۶. من از آنان هیچ رزق و روزی ای نمی خواهم، و

وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعَمُوا ﴿۵۷﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ

نمی خواهم که به من غذا بدهند. ۵۷. زیرا این خداست که (مخلوقات) بسیار (زیاد خود را) روزی می دهد و قدرتمند و بسیار نیرومند است.

﴿۵۸﴾ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ

۵۸ (کون که این نکته روشن شد، بدانید که) ستمگران (این امت نیز) همچون پیره ی (بید) افراد مشابه خود (در گذشته، سهمی (از عذاب) دارند؛

﴿۵۹﴾ قَوْلٍ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿۶۰﴾

بنابر این، از من نخواهند که (در عذاب شان) شتاب کنم. ۵۹. پس وای بر کافران به سبب روز (شوم) شان؛ همان روزی که وعده داده می شوند. ۶۰

آیاتها

سُورَةُ الذَّارِيَاتِ

۴۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

وَالطُّورِ ﴿۱﴾ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ﴿۲﴾ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ ﴿۳﴾ وَالْبَيْتِ

سوگند به کوه (طور)؛ ۱ و سوگند به کتابی نوشته شده؛ ۲ که در صفحه ای گشوده شده قرار دارد؛ ۳ و سوگند به آن خانه ی پررفت و آمد

الْمَعْمُورِ ﴿۴﴾ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿۵﴾ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿۶﴾ إِنَّ

(که زیارتگاه فرشتگان است)؛ ۴ و سوگند به سقفی که برافراشته شده است؛ ۵ و سوگند به دریای لبریز شده؛ ۶ (سوگند به این ها) که

عَذَابُ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿۷﴾ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿۸﴾ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءِ

قطعا عذاب پروردگارت واقع خواهد شد. ۷ (و) هیچ چیز، مانع آن نخواهد شد. ۸ در آن روز که آسمان

مُورًا ﴿۹﴾ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿۱۰﴾ قَوْلٍ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

بغراستی به لرزه درآید. ۹ و حقیقتاً کوه ها به حرکت درآیند. ۱۰ پس در آن روز وای به حال منکران (قیامت)!!

﴿۱۱﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿۱۲﴾ يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارِ

۱۱ هم آنان که در (اعتقادی) باطل (و عجیب و شگفت انگیز) مشغول بازی هستند. ۱۲ (این عذاب) در روزی (فرا میرسد)

جَهَنَّمَ دَعَاً ﴿۱۳﴾ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكْذِبُونَ ﴿۱۴﴾

که با شدت قاه به جهنم هل داده می شوند. ۱۳. (و به آنان گفته می شود): این همان آتش (دوزخ) است که همیشه آن را انکار می کردید. ۱۴

۵۶. هدف آفرینش انسان: یکی از صفات خدا که بارها در قرآن تکرار شده، «حکیم» است. حکیم، کسی است که از همه‌ی کارهایش هدف دارد و هیچ‌کاری را بدون علت انجام نمی‌دهد. شاید برای همه‌ی ما این سؤال پیش آمده باشد که «خدا از آفرینش ما چه هدفی داشته است؟». خداوند در این آیه و آیات دیگری از قرآن به این سؤال پاسخ داده است. بر اساس آیه‌ی ۲ سوره‌ی ملک، نخستین هدف از آفرینش، «آزمایش انسان‌ها» است. طبق آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی طلاق، دومین هدف از خلقت، «علم و آگاهی آفریدگان از قدرت و دانش پروردگار» است. آیه‌ی مورد بحث، هدف آفرینش را «عبادت خدا» برمی‌شمرد. در آیه‌ی ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره‌ی هود نیز چهارمین هدف از پدید آمدن انسان‌ها، رسیدن به لطف و رحمت بی‌پایان خدا معرفی شده است. با دقت در این آیات فهمیده می‌شود که این چهار هدف، در حقیقت، چهار مرحله‌ی تکامل و رشد بشر است که برخی، اهداف مقدماتی؛ بعضی، اهداف متوسط؛ و برخی نیز اهداف نهایی هستند.

آری، ما آفریده شده‌ایم تا با داشتن اختیار و قرار گرفتن در دوراهی‌های خوب و بد، سرنوشت خویش را انتخاب کنیم و علاقه‌ی خود را به آفریدگار خویش و دستوره‌های او نشان دهیم. ما آفریده شده‌ایم تا با اندیشه در جهان هستی، با پروردگار دانا و توانای آن آشنا شویم و پس از این آگاهی و آن انتخاب آگاهانه، در برابر او تسلیم شویم و تاج بندگی‌اش را بر سر خود قرار دهیم. آنگاه بزرگ‌ترین هدفمان، عبادت خدا شود، و تمام تلاشمان، متوجه جلب رضایت و انجام دستوره‌های او باشد؛ درست مانند برده‌ای که فرمان‌بر صاحب خود است؛ در حالی که این بندگی و عبادت، هیچ سودی برای خدا ندارد و سود آن فقط به خود ما بازمی‌گردد. این بندگی خدا، با وجود انسان کاری می‌کند که کیمیا با مس انجام می‌دهد. عبادت خالصانه‌ی خدا، انسان زمینی را به بالاترین مراحل تکامل در جهان می‌رساند و برای همیشه او را مشمول رحمت ویژه‌ی خدا می‌کند و در جهانی بسیار وسیع‌تر از این جهان، به او زندگی جاویدان می‌بخشد؛ زندگی سراسر رفاه، آرامش، نعمت، و از همه بالاتر، خشنودی و لطف خدای مهربان. به راستی خدا چقدر ما را دوست داشته که توسط پیامبرانش ما را از هدف آفرینش خود آگاه کرده است؛ و گرنه بزرگ‌ترین رنج برای یک انسان عاقل، بی‌هدفی و حیرت در زندگی‌ست؛ این‌که نداند برای چه به این جهان پهناور پا گذاشته، به کجا می‌رود و برای سعادتش چه باید بکند. آری، دین به زندگی انسان معنا و مفهوم والایی می‌بخشد، و دین‌داران راستین برای رسیدن به هدف والایی که خدا برایشان مقرر فرموده، با اراده‌ای قوی و روحیه‌ای پر از نشاط و امید، به زندگی پرمعنی‌شان ادامه می‌دهند، با عبور از مرحله‌ی دنیا، به مرحله‌ای بالاتر قدم می‌گذارند و زندگی عالی‌تری را تجربه می‌کنند؛ ولی افراد بی‌دینی که به خدا و معاد اعتقادی ندارند، با سردرگمی و حیرت زندگی می‌کنند و بی آن‌که بفهمند برای چه منظوری در این دنیای گذرا پا گذاشته‌اند، آن را ترک می‌گویند و با چشمانی کور به جهان پس از مرگ وارد می‌شوند و تا ابد سردرگم خواهند ماند.

أَفَسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾ اِصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ

آیا این هم جادوست؟ آیا شما نمی بینید؟ ۱۵ در آن وارد شوید و بسوزید. چه صبر کنید و چه صبر نکنید، فرقی برایتان ندارد؛

لَا تُصْبِرُوا سَوَاءً عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَنُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

(زیرا) شما فقط به وسیلهی کراهیتان جزا داده می شوید (و خود کراهیتان، جزای شماسات؛ نه چیز دیگری). ۱۶

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾ فَكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ رَبُّهُمْ

پرهیزکاران در باغ هایی (عالی) و نعمتی فراوان (و بی نظیر) به سر می برند. ۱۷ و این در حالی ست که از آنچه پروردگراشان به آنان داده،

وَوَقَلَهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾ كَلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا

لذت می برند و پروردگراشان آنان را از عذاب دوزخ حفظ می کند. ۱۸ به پاس کراهی که می کردید، به گوارایی بخورید و بنیاشامید. ۱۶

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُمْ

این در حالی ست که با راحت و آرامش، بر تخت هایی که کنار هم چیده شده، نشسته اند. و آنان را با حورایی سفیدرو و درخت چشم

بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ

هم نشین می کنیم. ۲۰ و کسانی که ایمان آوردند و فرزندان شان در ایمان داشتند، به گونه ای (هر چند کمتر از پدران شان) با جا پای آنان

الْحَقْنَاءِ بِهِنَّ ذُرِّيَّتُهُمْ وَمَا آتَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ

گذاشته اند، فرزندان شان را (در قیامت) به آنان ملحق می کنیم، و (البته به سبب این کار، از پاداش) کراهی (خوب) آن (پدر) های

بِمَا كَسَبَ رَهِيْنٌ ﴿٢١﴾ وَآمَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ

(و الا مقام)، ذره ای نمی کاهیم؛ (زیرا) هر کس همراه کار خویش است. ۲۱ و بیایی هر میوه و گوشتی که میل داشته باشند، به آنان می دهیم.

﴿٢٢﴾ يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْتِيهِنَّ ﴿٢٣﴾ وَيَطُوفُ

۲۲ در آنجا، جامی پر (از شراب ناب بیهشی) را دست به دست می چرخاند که (نوشیدنش) هیچ سخن زشت و گناهی در پی ندارد. ۲۳ و

عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ ﴿٢٤﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى

خدمت کارانشان (در سفیدی و زیبایی) همچون مروارید محافظت شده (در صدف) هستند، گرد آنان می چرخند. ۲۴ (در این مجالس عیش و

بَعْضٌ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾

طرب،) به یکدیگر رو کرده، از (حال و روز) هم (در دنیا) سؤال می کنند. ۲۵ می گویند: «ما پیش از این، (در دنیا) در حالی که در میان خانواده مان

فَمَنْ لَّهِ عَلَيْنَا وَوَقَلْنَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ

به سر می بردیم، نگران (وضع مان در قیامت) بودیم؛ ۲۶ پس خدا (نیز) بر ما منت نهاد و ما را از عذاب بادِ سوزان (جهنم) حفظ کرد؛ ۲۷ (زیرا)

نَدَعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾ فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ

ما پیش از این، او را می پرستیدیم. لوست که حقیقتاً (به بندگانش) محبت دورد و مهربان است. ۲۸ (آنگون که از حق بودن قیامت آگاه شدی،)

بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبَ

یادآوری و موعظه کن؛ زیرا تو به لطف پروردگرت، نه غیب گو هستی و نه دیوانه. ۲۹ آیا می گویند: «(محمد)، شاعری ست که منتظریم حوادث

الْمَنُونِ ﴿٣٠﴾ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَرِبِينَ ﴿٣١﴾

تکان دهنده ی روزگار بر سرش آید (و از دستش راحت شویم)؟! ۳۰ بگو: منتظر باشید؛ چون که من (هم) با شما منتظر (مرگ) هستم. ۳۱

بسم

۱۷ تا ۲۸. پرهیزکاران؛ شاد و مسرور از لطف خدا؛ این آیات، از بهترین و زیباترین مکان عالم هستی سخن می‌گوید؛ جایی به وسعت آسمان‌ها با تمام امکانات رفاهی و تفریحی که هیچ درد و رنجی در آن راه ندارد و ساکنانش در کمال آرامش و امنیت برای همیشه در آن به سر می‌برند، و به فرموده‌ی قرآن، «در آنجا هر چه دل‌ها بخواهد و چشم‌ها از آن لذت ببرد، وجود دارد.» «آنچه بینی، دلت همان خواهد/وانچه خواهد دلت، همان بینی.» آیات مورد بحث، از میان نعمت‌های بی‌شمار بهشت، به چهارده نعمت بزرگ اشاره کرده‌اند؛ نعمت‌هایی که تصوّرش، روح انسان را به پرواز درمی‌آورد و آرزوی رسیدن به چنین وضع توصیف‌ناپذیری را در دل می‌پروراند. با هم آن‌ها را مرور کنیم: ۱- زندگی در باغ‌های سرسبز و خرم؛ ۲- نعمت‌های بی‌پایان؛ ۳- شادی و سرور دائمی؛ ۴- امنیت کامل از عذاب دوزخ؛ ۵- خوردن و آشامیدن گوارا از غذاها و نوشیدنی‌های بهشت، بدون پیدا کردن هیچ‌گونه عارضه‌ی نامناسب؛ ۶- تکیه زدن بر تخت‌های گران‌قدر بهشت؛ ۷- همسران زیبای بهشتی؛ ۸- لطف خدا به فرزندان باایمان آنان که به سبب اشتباهات، از رسیدن به درجات ایشان بازمانده‌اند، و رساندن آنان به مقام والدین والامقامشان؛ ۹- انواع میوه‌های لذت‌بخش؛ ۱۰- انواع گوشت‌های لذیذ از هر نوع که بخواهند؛ ۱۱- جام‌هایی لبریز از شراب پاکیزه که باعث مستی و سردرد و یاهه‌گویی نمی‌شود؛ بلکه بر پاکی و رشد بهشتیان می‌افزاید؛ ۱۲- خدمت‌کارانی بسیار زیبارو و بانشاط؛ ۱۳- داشتن مجالس انس و الفت با دوستان بهشتی دیگر، و به یاد ایّام سخت گذشته و ترس‌ها و نگرانی‌های آنان در دنیا افتادن، و لذت بردن از روزگار راحتشان در بهشت؛ ۱۴- توجّه به لطف و مهربانی ویژه‌ی پروردگار جهان به آنان.

نکته‌ای که در این آیات جلب توجّه می‌کند، این است که پرهیزکاران پس از غرق شدن در نعمت‌های بهشتی اعتراف می‌کنند که هرچند در دنیا خدا را می‌پرستیدند و در برابرش تسلیم بودند، به خودی خود، لیاقت این‌همه نعمت را ندارند، و آنچه در اختیارشان است، ثمره‌ی لطف و مهربانی خداست که بر آنان منت گذاشته و چندین برابر استحقاقشان است. خداوند در آیات ۲۹ و ۳۰ سوره‌ی فاطر می‌فرماید: «کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز را کامل و بی‌نقص به جا می‌آورند و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی امید دارند که هیچ ضرر و زیانی در آن وجود ندارد. [این کارها را می‌کنند] تا خدا به آنان پاداش کامل بدهد و از لطف و مهربانی‌اش بر پاداششان بیفزاید؛ زیرا او بسیار آمرزنده است و از کارهای بندگانش بسیار سپاسگزاری می‌کند.»

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ ﴿٣٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ

آیا عقلاهاشیان آنان را به این (سخنان کفرآلود) فرمان می‌دهند؟ (نه) بلکه آنان، افرادی سرکش‌اند. ۳۲ آیا می‌گویند: «قرآن را از خود ساخته

بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٣٤﴾ أَمْ

است؟» (نه! این طور نیست!) بلکه (از روی حسادت و لجاجت) ایمان نمی‌آورند. ۳۳ اگر راست می‌گویند، سخنی مانند آن بیآورند. ۳۴ آیا بدون

خَلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾ أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ

وجود آفریدگاری خلق شده‌اند؟ آیا خودشان خالق (خود) هستند؟! ۳۵ آیا آسمان و زمین را (آنان) آفریده‌اند؟! البته یقین ندارند. ۳۶ آیا

وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يَوقِنُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمْ

کنجینه‌های پروردگار نزد آنان است؟! آیا آنان‌اند که (بر همه چیز) تسلط دارند؟! ۳۷ آیا آنان نزدبانی دارند که در حالی که از آن بالا می‌روند، (به

الْمُصِيطِرُونَ ﴿٣٧﴾ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ

اخبار غیبی (آسمان) گوش فرا می‌دهند؟! (اگر چنین است،) آن کسی که گوش می‌کند، باید دلیلی روشن (بر راستی ادعایش) بیآورد. ۳۸ آیا دختران

يَسْأَلُنَّ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ ﴿٣٩﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ

برای او هستند و پسران برای شما؟! ۳۹ آیا از آنان مردی خواسته‌ای، و نتیجه‌اش این شده که زیر بار ضرر و زیان مالی، کمر خم کرده‌اند؟! ۴۰ آیا

أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَعْرَمٍ مَثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

(سراغ) غیب تود آنان است، و بدین ترتیب، ایشان هستند که (مقدرات الهی را) می‌نویسند؟! ۴۱ آیا می‌خواهند (برای نابودی تو و دین الهی) نیرنگی

﴿٤١﴾ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ لَهُمُ اللَّهُ

به کار گیرند؟ پس کافران خودشان دچار طرح نابودکننده‌ی (خداوند) شده‌اند. ۴۲ آیا آنان، خدایی جز «الله» دارند؟ خداوند، از شرک و ورزیدن آنان

غَيْرِ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ

پاک و منزّه است. ۴۳ اگر (عذاب بیاید و) تکه‌هایی از (آجر) آسمان را در حال سقوط ببینند، (بنازم ایمان نمی‌آورند و) خواهند گفت: «این‌ها»

سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ﴿٤٤﴾ فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي

ابراهیم به هم فشرده است. ۴۴ (اینک که از کفرشان دست بر نمی‌دارد،) آنان را زهاکن تا با روزشان روبه‌رو شوند؛ همان (روز) که جان‌شان در آن

فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ

گرفته می‌شود؛ ۴۵ روزی که نقشه و نیرنگ‌های (آنان، به هیچ وجه سودی به حال‌شان نخواهد داشت و) (از هیچ سو) یاری

يُنصرون ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ

نمی‌شوند. ۴۶ و کسانی که ستم کردند، عذابی غیر از این (نیز) دارند؛ ولی بیشترشان نمی‌دانند. ۴۷ تا زمان حکم کردن پروردگار صبر کن؛

لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ

زیرا تو زیر نظر و حمایت ما هستی. و هنگامی که (از خواب) بربی‌خیزی، در حالی که پروردگارت را می‌ستایی، (از هر عیب و نقصی) منزّه‌اش

رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿٤٩﴾

شمار. ۴۸ و در برخی از اوقات شب و (نیز) هنگامی که ستارگان (با روشنایی صبح) پنهان می‌شوند، به تسبیح (و نیایش با) او مشغول باش. ۴۹

سُورَةُ الطُّورِ آیاتها ۶۲

۴۸. تو زیر نظر و حمایت کامل ما قرار داری: یکی از مهم‌ترین عوامل پایداری انسان در مسیر زندگی، این است که مطمئن باشد در راه حق حرکت می‌کند و راه و روشش مورد رضایت خداست. این آگاهی، به انسان نیرو و نشاط فوق‌العاده‌ای می‌بخشد که مشکلات بسیار بزرگ را در برابر چشمانش کوچک می‌کند؛ زیرا می‌داند در هر حالی - چه آسان و چه سخت - خدا از او راضی است و او را مورد لطف و عنایت خود قرار می‌دهد؛ هرچند سختی‌ها در ظاهر او را محاصره کرده باشد. خداوند در این آیه به پیامبر خود فرمان می‌دهد که در راه رسالت خود و رساندن پیام‌های خدا به مردم، همچنین در برابر آزار و اذیت کافران صبر کند؛ زیرا مورد توجه خداست و لطف و حمایت خدا، شامل حال اوست. آری، این توجه ویژه‌ی خدا به پیامبر اسلام ﷺ و تمام پیامبران، باعث می‌شد که آنان در مأموریت خود کاملاً استوار باشند و خود را در برابر مشکلات نبازند. مثلاً هنگامی که پیامبر ﷺ برای نجات از توطئه‌ی ترور مشرکان مکه، خانه‌اش را شبانه ترک گفت و به غاری پناه برد، همراه آن حضرت یعنی ابوبکر به شدت اظهار ترس و نگرانی می‌کرد. در آنجا پیامبر ﷺ با آرامش تمام به او فرمود: «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»؛ یعنی: غمگین مباش؛ زیرا خدا با ماست. یا زمانی که بنی‌اسرائیل مظلوم، به رهبری حضرت موسی ﷺ شبانه پایتخت مصر را ترک کردند، فرعونیان پس از آگاهی، به قصد قتل‌عام آنان تعقیب‌شان کردند و در نزدیکی رود نیل به آنان رسیدند. در این هنگام، پیروان موسی ﷺ فریاد برآوردند که «ما را گرفتند!»؛ ولی حضرت موسی ﷺ با آرامش و شجاعت بی‌نظیری فرمود: «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»؛ یعنی: هرگز؛ پروردگار من، همراه من است و بی‌شک راه نجات را به من نشان خواهد داد.

آری، هنگامی که انسان مطمئن باشد که راهش مورد رضایت خداست و گام‌هایش در مسیر حق است، هیچ مانعی حتی مرگ نمی‌تواند او را از هدفش باز دارد؛ زیرا در این حالت، مرگ، نشان افتخاری برای انسان است که برای همیشه راست‌کرداری او را ثابت می‌کند. در تاریخ آمده است که در مسیر حرکت کاروان امام حسین ﷺ و اصحابش به سمت کوفه، حضرت علی‌اکبر ﷺ - پسر بزرگوار امام - از پدر پرسید: «پدرجان، مگر ما بر حق نیستیم؟» امام ﷺ فرمود: «چرا. سوگند به خدایی که بازگشت بندگان به سوی اوست، ما بر حق ایم.» حضرت علی‌اکبر ﷺ عرض کرد: «در این حالت که حق با ماست، دیگر مهم نیست که جان خود را نیز از دست بدهیم.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۝۱ مَاضِلٌ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝۲ وَمَا يَنْطِقُ

سوگند به ستاره، آنگاه که فروب گند؛ ۱ که هم‌نشین شما (محمد) گمراه نشده و از رسیدن به رشد و هدایت محروم نشده است؛ ۲ (و هنگامی که پیام‌های خدا را

عَنِ الْهَوَىٰ ۝۳ إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝۴ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ

بازگو می‌کند) از سر هوا و هوس سخن نمی‌گوید؛ ۳ (بلکه) این (سخنان)، فقط وحی (الهی) است که (به او) الهام می‌شود؛ ۴ (وحی) که (آن فرشته‌ی نیرومند به او

ذُومِرَّةٌ فَاسْتَوَىٰ ۝۵ وَهُوَ بِالْأَفْقِ الْأَعْلَىٰ ۝۷ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ

آموخته است؛ ۵ (فرشته‌ای که خردمند و نیرومند است، (این وحی را) بدین صورت (به پیامبر یاد داد) که کامل و بی‌نقص (و به شکل حقیقی‌اش در حضور پیامبر)

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ۝۸ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ

نمایان شد؛ ۶ در حالی که در اوج آسمان قرار داشت، ۷ آنگاه نزدیک شد؛ بدین صورت که پایین آمد، ۸ پس (فاصله‌ی او با پیامبر، به اندازه‌ی (طول) دو کمان یا کمتر

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۝۹ أَفَتُمَرُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۝۱۲ وَلَقَدْ

از آن شد، ۹ آنگاه (خداوند به وسیله‌ی جبرئیل، آن سخنان والا و بی‌مانند را به بنده‌اش وحی کرد، ۱۰ قلب (پیامبر) در مورد (راست بودن) آنچه (او با چشم خود)

رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۝۱۳ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۝۱۴ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ

دید، به او دروغ نگفت، و مشاهدات پیامبر، کاملاً حقیقی بود، ۱۱ آیا در مورد آنچه (با چشم خود) می‌بیند یا او بحث و جدل می‌کند؛ ۱۲ حال آن‌که بپرستی در

أَذِيعَشَى السِّدْرَةَ مَا يَعِشَى ۝۱۶ مَازِغَ الْبَصَرِ وَمَاطِعَىٰ ۝۱۷ لَقَدْ

یک مرتبه‌ی دیگر که (آن فرشته) فرود آمده بود، او را دیده است؛ ۱۳ کنار (آن) تک‌درخت سدر که در انتهای راه قرار دارد؛ ۱۴ که در کنش، آن باغ و بوستان است که

رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝۱۸ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّكْتَ وَالْعُرَىٰ ۝۱۹

در آن آرام و قرار می‌گیرند، ۱۵ زمانی (چرتیل را دید) که چیزی توصیف نداشتی، آن تک‌درخت سدر را پوشاند، ۱۶ چشم (پیامبر) خطا نکرد و از حد (طبیعی) خود

وَمَنْوَةَ الثَّالِثَةِ الْآخِرَىٰ ۝۲۰ أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ۝۲۱ تِلْكَ إِذَا

فراتر رفت، ۱۷ بپرستی از میان آیات و نشانه‌های پروردگش، بزرگ‌ترین (آن‌ها) را مشاهده کرد، ۱۸ در مورد (بت‌های) «لات» و «عزرا» و (همچنین) «منات»،

قِسْمَةَ ضِيزَىٰ ۝۲۲ إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاءُكُمْ

سومین بت (بازش) دیگر (که آنان را نمثال دختران می‌دانید)، به من خیر دهید، ۱۹ و ۲۰ آیا (فرزندان) پس، برای شما هستند، و (فرزندان) دختر، برای خدا؟! ۲۱ در

مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ

این صورت، این تقسیم ظالمانه‌ای ست، ۲۲ این (اسم‌هایی که بر این سنگ‌ها و چوب‌ها گذاشته‌اید، فقط نام‌هایی ست که شما و اجداد و نیاکان (بر آن‌ها) نهادید

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝۲۳ أَمْ لِلإِنسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝۲۴

(و) خداوند هیچ دلیلی در مورد آن‌ها نازل نکرده است، آنان فقط دنبال گمان (و خیالات باطل) و تمایلات نفسانی (خویش) هستند؛ حال آن‌که قطعاً از جانب

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ۝۲۵ وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي

پروردگشان، برای آنان هدایت آمده است، ۲۳ آیا (هر) آنچه انسان آرزو کند، خواهد داشت؟ ۲۴ (چنین نیست)؛ زیر آخرت و دنیا فقط برای خداست، ۲۵ چه

شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مَنْ بَعْدَ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ۝۲۶

بسیار فرشتگان آسمانی که شفاعت‌شان به هیچ وجه سودی ندارد، مگر پس از اجازت و رضایت خداوند در مورد (شفاعت) هر کس که (خود) بخواهد (و صلاح بداند)، ۲۶

۱۳۱

۷ تا ۱۸. ملاقاتی در ملکوت: در روایات فراوانی می‌خوانیم که این آیات به ماجرای «معراج» اشاره کرده است؛ سفری معنوی که پیامبر ﷺ در حالت بیداری و با جسم و روح خود بدان رفت. بر اساس آیهی یکم سورهی اسراء و روایات فراوانی که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است، پیامبر ﷺ در شبی به خواست خدا از مکه به مسجدالاقصی سیر داده و از آنجا همراه جبرئیل به آسمان‌ها برده شد. بر اساس روایتی از امام صادق علیهما السلام پیامبر ﷺ در آسمان یکم با فرشتگان زیادی از جمله مالک (فرشته‌ای که به نگهبانی دوزخ گماشته شده) و فرشته‌ی مرگ (عزرائیل)، با روح حضرت آدم علیهما السلام و همچنین ارواح گروهی از گنه‌کاران و کافران؛ در آسمان دوم با حضرت عیسی علیهما السلام و روح حضرت یحیی علیهما السلام و گروهی از فرشتگان؛ در آسمان سوم با روح حضرت یوسف علیهما السلام و گروهی از فرشتگان؛ در آسمان پنجم با روح حضرت هارون علیهما السلام و گروهی از فرشتگان؛ در آسمان ششم با روح حضرت موسی علیهما السلام و گروهی از فرشتگان؛ و در آسمان هفتم با روح حضرت ابراهیم علیهما السلام و گروهی از فرشتگان ملاقات کرد. آنگاه وارد بهشت شد و از نعمت‌ها و مناظر زیبا و دل‌انگیز آن دیدار کرد، و پس از آن، در ملاقاتی وصف‌ناشدنی، خداوند بدون هیچ واسطه‌ای با او سخن گفت.

البته ماجرای معراج را نمی‌توان با قواعد علوم تجربی تحلیل کرد و عقل‌های ما انسان‌های معمول نمی‌تواند به چگونگی آن پی ببرد؛ ولی چون خدای راستگو از آن خبر داده است، ما نیز به آن ایمان داریم؛ همان‌طور که به وجود فرشتگان ناپیدا ایمان داریم. به هر حال، بر اساس روایات، خدای مهربان در شب معراج، به پیامبر گرامی خود سخنان فراوانی فرموده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. طبق روایتی از امیر مؤمنان علی علیهما السلام، خداوند در شب معراج به پیامبر ﷺ فرمود: «هیچ چیز نزد من برتر از توکل بر من و خشنودی از آنچه تقسیم کرده‌ام، نیست. ای محمد، محبت من شامل حال کسانی می‌شود که یکدیگر را برای من دوست دارند... ای احمد، [جلب] محبت من، [در گرو جلب] محبت فقیران و محرومان است؛ به آن‌ها نزدیک شو و با آنان نشست و برخاست کن تا من نیز به تو نزدیک شوم؛ و ثروتمندان دنیاپرست را از خود دور کن و از نشست و برخاست با آنان بپرهیز... ای احمد، عبادت، ده جزء دارد که نه جزء آن، جست‌وجوی روزی حلال است؛ هنگامی که غذا و نوشیدنی تو حلال باشد، تو در حفظ و حمایت من هستی...»

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَى ۲۷

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از فرشتگان همچون یک (موجود) ماده نام می‌برند. ۲۷ آنان به این (پندار باطل)، هیچ علم و دانشی در

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ

دست ندارند. آنان فقط از گمان پیروی می‌کنند؛ (حال آن‌که) گمان به هیچ وجه (انسان را) از حقیقت بی‌نیاز نمی‌کند. ۲۸ بنابراین، از کسی که

الْحَقِّ شَيْئًا ۲۸ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدِ إِلَّا الْحَيَاةَ

به یاد ما پشت می‌کند و فقط زندگی دنیا را می‌خواهد، روی گردان. ۲۹ نهایت درک و فهم‌شان همین (قدر) است. پروردگار تو به (حال) کسی که

الدُّنْيَا ۲۹ ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ

از راهش منحرف شده و آن را کم کرده، آگاه‌تر است، و (همچنین) به (حال) کسی که هدایت شده، آگاه‌تر است. ۳۰ آنچه در آسمان‌ها و آنچه

سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ ۳۰ وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا

در زمین است، فقط برای خداست، و هدف (از این آفرینش)، این است که بدکاران را با کلهایشان کفر دهد و نیکوکاران را با بهترین پاداش

فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا

خود یعنی بهشت) پاداش دهد؛ ۳۱ هم‌آنان که از گناهان بزرگ و کلهای زشت پرهیز می‌کنند. ولی (ممکن است) گاه‌گاهی گناهی

بِالْحُسْنٰی ۳۱ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ ۳۲

اتفاقی. و نه از روی عادت. از آنان سر بزند. (در این حالت)، آموزش پروردگارت فراگیر است، و زمانی که شما را از زمین پدید آورد، و آنگاه که

إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ ۳۲ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ

شما در شکم‌های مادران‌تان (به صورت) جنین‌هایی بودید، او از (همه به) حال شما آگاه‌تر بود؛ پس خداتان را پاک و بی‌عیب جلوه ندهید. او به

أَنْتُمْ آجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ

(حال) کسانی که خود را (از خشم خدا) حفظ می‌کنند، آگاه‌تر است. ۳۳ (اکتون که چنین است)، از کسی که (از انفاق در راه خدا) روی گرداند

بِمَنْ اتَّقَىٰ ۳۳ أَفَرَعَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ ۳۴ وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰ

والتدكی (صدقه) داد، و (پس از آن، صدقه دادن را) قطع کرد، برابم بگو. ۳۳ و ۳۴ آیا نزدش علم غیب است، و بدین وسیله، (آینده را) می‌بیند؟

۳۴ أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوَّيْرِى ۳۵ أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ

۳۵ آیا او از محتوای کتاب (آسمانی) موسی آگاه نشده است؟ ۳۶ و (نیز محتوای کتاب آسمانی) ابراهیم؛ همو که حق (بندگی) را کاملاً

مُوسَىٰ ۳۶ وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ ۳۷ إِلَّا تَزْرُؤًا وَزِرًّا وَزَرًّا أُخْرَىٰ

ادا کرد؛ ۳۷ (محتوای آن کتاب‌ها، این بود) که هیچ گنه‌کاری بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد؛ ۳۸ و این‌که انسان (در آخرت)

۳۸ وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ ۳۹ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ

فقط مالک اعمال خویش است؛ ۳۹ و این‌که به زودی کلهایش (به او) نشان داده می‌شود؛ ۴۰ آنگاه (دقیق و) کامل،

يُرَىٰ ۴۰ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ ۴۱ وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ

با اعمالش کفر و پاداش داده می‌شود؛ ۴۱ و این‌که سیر و حرکت (در آفریدگان)، فقط به مالک و صاحب اختیارات ختم می‌شود؛

۴۲ وَأَنَّ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ ۴۳ وَأَنَّ هُوَ آمَاتٌ وَآحْيَا ۴۴

۴۲ و این‌که اوست که می‌خنداند و می‌گریاند؛ ۴۳ و این‌که اوست که می‌میراند و حیات می‌بخشد؛ ۴۴

۳۹. هم‌نشین ابدی انسان: یکی از مهم‌ترین اصول در زندگی اجتماعی انسان، «اصل مالکیت» است. بر اساس این اصل است که انسان‌ها، مالک دارایی‌های خویش شناخته می‌شوند و دیگران از تعرض و دست‌درازی به آن‌ها منع می‌شوند. ما از هنگامی که خودمان را شناخته‌ایم، با این اصل آشنا شده‌ایم و چیزهایی را دارایی خود می‌شناسیم؛ ولی حقیقت این است که مالکیت ما بر چیزهای گوناگون، مالکیت حقیقی نیست؛ چراکه در پی برخی حوادث روزگار، از ما گرفته می‌شود. روزی خانه‌مان به سبب سیل و زلزله ویران می‌شود؛ روز دیگر پول و جواهرمان را گم می‌کنیم؛ زمانی سلامت‌مان با بیماری از دست می‌رود و حتی بدغان و اعضای ارزشمندش - که در مالکیت خود بر آن‌ها شکی نداریم - در وقت مرگ از ما جدا می‌شود. آری، مالک حقیقی همه چیز، پروردگار جهان است و مالکیت ما بر دارایی‌هایمان، مالکیتی مجازیست که البته برای زندگی در عالم دنیا به شدت به آن نیاز داریم و در صورت نبودن آن، از کوچک‌ترین حقوق اجتماعی محروم می‌شویم. خداوند در قرآن بارها به این حقیقت اشاره کرده است؛ تا آنجا که به انسان‌ها یادآوری می‌کند که مالک گوش و چشم آن‌ها نیز خود اوست. آیه‌ی مورد بحث اما می‌فرماید که انسان مالکیت یک چیز را به معنای حقیقی در اختیار دارد، و آن چیز، «عمل او» است.

آری، ما انسان‌ها، مالک حقیقی کارهایمان هستیم و هیچ حادثه‌ای نمی‌تواند کارهایمان را از ما بگیرد؛ حتی مرگ نیز قدرت جدا کردن اعمالمان را از ما ندارد و این دارایی تا ابد با ما خواهد بود؛ مانند مسافری که مدتی در یک مسافرخانه اقامت داشته و امکاناتی در اختیارش قرار گرفته و در پایان سفر البته تنها وسایلی را با خود می‌برد که متعلق به اوست، و اجازه ندارد امکاناتی مانند میز و صندلی و... را نیز با خود ببرد؛ چرا که مالک آن‌ها نیست. امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که یک نفر می‌میرد، مردم می‌گویند: چه چیزهایی به جا گذاشته؛ ولی فرشتگان می‌گویند: چه کارهایی پیش فرستاده است؟»؛ زیرا فرشتگان می‌دانند که انسان، مالک چیزهاییست که با خود به قیامت می‌برد؛ نه چیزهایی که در دنیا داشته و اکنون برای او نیست. در روایتی پندآموز از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که به یکی از اصحابش به نام «قیس» که از او درخواست نصیحتی کرده بود، فرمود: «ای قیس، تو هم‌نشینی داری که ناچار همراه تو دفن می‌شود؛ در حالی که زنده است، و تو با او دفن می‌شوی؛ در حالی که مرده‌ای. پس اگر گرامی باشد، تو را گرامی می‌دارد، و اگر پست باشد، تو را تسلیم عذاب می‌کند. او فقط با تو محشور می‌شود و تو نیز فقط با او محشور می‌شوی. تو فقط از آن بازخواست می‌شوی و تنها همراه او زنده خواهی شد؛ بنابراین آن را جز شایسته قرار مده؛ زیرا اگر شایسته باشد، جز با او انس نمی‌گیری، و اگر زشت باشد، جز از آن نمی‌ترسی. آن هم‌نشین، عمل توست.»

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ۚ ﴿٤٥﴾ مِن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ ۚ ﴿٤٦﴾

و این که او از نطفه‌ای (به‌ظاهر پست و بی‌ارزش) در آن زمان که در رجم ریخته می‌شود، دو نوع نر و ماده را آفرید: ۴۵ و ۴۶ و این که آفرینش

وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّسَاءَ الْأُخْرَىٰ ۚ ﴿٤٧﴾ وَأَنَّهُ هُوَ أَعْنَىٰ ۙ ﴿٤٨﴾ وَأَنَّهُ هُوَ

دوباره (در قیامت)، بر عهده‌ی اوست؛ ۴۷ و اوست که بی‌نیاز می‌کند و مال و سرمایه می‌بخشد؛ ۴۸ و این که مالک و صاحب‌اختیار

رَبُّ الشَّعْرِی ۙ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ ۙ ﴿٥٠﴾ وَتَمُودًا فَمَا أَبْقَىٰ ۙ ﴿٥١﴾

(ستاره‌ی) «شعری»، اوست؛ ۴۹ و این که او نخستین (قوم) عاد را هلاک کرد؛ ۵۰ و (همچنین قوم) تمود را؛ به طوری که (کسی از آنان را)

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ ۙ ﴿٥٢﴾ وَالْمُؤْتَفِكَةَ

باقی نگذاشت؛ ۵۱ و پیش از این، قوم نوح را (هلاک کرد). آنان ستم‌گوتر و سرکش‌تر (از آن دو قوم) بودند. ۵۲ و شهرهای زیر و رو شده‌ی

أَهْوَىٰ ۙ ﴿٥٣﴾ فَغَشَّهَا مَا عَشَىٰ ۙ ﴿٥٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ ۙ ﴿٥٥﴾

(قوم لوط) را (بالا برد) و بر زمین کوبید. ۵۳ پس آنجا را با عذابی وصف‌ناشدنی پوشاند. ۵۴ پس به کدام‌یک از نعمت‌های پروردگرت شک

هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ التُّذْرِ الْأُولَىٰ ۙ ﴿٥٦﴾ أَرَفَتِ الْأَرْضُ ۙ ﴿٥٧﴾ لَيْسَ لَهَا مِن

داری و (کدام را) انکار می‌کنی؟ ۵۵ این (پیامبر)، هشداردهنده‌ای از (سخن) هشداردهندگان گذشته است. ۵۶ آن حادثه‌ی قریب‌الوقوع

دُونَ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ۙ ﴿٥٨﴾ أَمِّنَ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ۙ ﴿٥٩﴾ وَتَضْحَكُونَ

(یعنی قیامت) نزدیک شده است. ۵۷ کسی جز خداوند، (سخن‌های) آن را بر طرف نمی‌کند. ۵۸ پس آیا از این سخن تعجب می‌کنید؟ ۵۹

وَلَا تَبْكُونَ ۙ ﴿٦٠﴾ وَأَنْتُمْ سَمِدُونَ ۙ ﴿٦١﴾ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَعَبُدُوا ۙ ﴿٦٢﴾

و در حال غفلت و تکبر می‌خندید و (به حال خود) نمی‌گریید؟ ۶۰ و شما سمدون (بی‌گناه) هستید. ۶۱ پس به خدا سجده کنید و (او را) پرستید. ۶۲

سُورَةُ النَّجْمِ
آیاتها ۵۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ ۙ ﴿١﴾ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ۙ ﴿٢﴾ وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا

قیامت بسیار نزدیک شد و ماه شکاف برداشت. ۱ اگر معجزه‌های را ببینند، پشت می‌کنند و می‌گویند: «این» جادویی نیرومند (و مؤثر)

وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ۙ ﴿٣﴾ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ۙ ﴿٤﴾

است. ۲ (پیامبر و معجزانش را) انکار کردند و از هوا و هوس‌های خویش پیروی کردند، و (سرانجام)، هر چیزی (در جایگاه خود) قرار

وَ كُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ ۙ ﴿٥﴾ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ

می‌گیرد (و حق و باطل روشن می‌شود). ۳ به راستی از اخبار (قیامت و امت‌های گذشته)، چیزهایی برایشان آمده که در آن‌ها، منع و

مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ۙ ﴿٦﴾ حِكْمَةٌ بِاللُّغَةِ ۙ ﴿٧﴾ فَمَا تُغْنِ التُّذْرُ

بِزِدانت (از کفر و نافرمانی) وجود دارد. ۴ (این اخبار و آیات الهی)، حکمتی کامل و بی‌نقص است؛ ولی هشدارها سودی ندارد. ۵ بنابراین،

﴿٥﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعُ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ ۙ ﴿٦﴾

از آنان روی گردان (و رهاشان کن، و) روزی (را یاد کن) که آن دعوت‌کننده، (خلایق را) به چیزی سخت و هولناک فرا می‌خواند؛ ۶

۱ تا ۳. شق القمر: شق القمر یعنی شکافتن ماه. خداوند در این آیه به یکی از معجزات بزرگ پیامبر اسلام ﷺ اشاره می‌کند. بر اساس روایات، در دورانی که پیامبر ﷺ در مکه حضور داشت، مشرکان نزد او آمدند و گفتند: اگر راست می‌گویی و تو پیامبر خدایی، ماه را برای ما دو پاره کن. پیامبر ﷺ فرمود: اگر این کار را انجام دهم، شما ایمان می‌آورید؟ گفتند: آری. پس پیامبر ﷺ از خدا تقاضا کرد آنچه را خواسته‌اند، به او بدهد، و خدا نیز درخواست او را پاسخ داد. پیامبر ﷺ در شب چهاردهم که قرص ماه کامل بود، مشرکان را جمع کرد و با انگشت خود به ماه اشاره کرد، و ناگهان ماه در برابر چشمان حیرت‌زده‌ی آنان دو پاره شد. پیامبر ﷺ مشرکان را یک به یک صدا می‌زد و می‌فرمود: نگاه کنید. البته بر اساس آیه‌ی ۲، کافران لجوج به رغم دیدن این معجزه‌ی شگفت‌انگیز، باز هم ایمان نیاوردند و به پیامبر ﷺ تهمت جادوگری زدند. طبق تاریخ، برخی از کافران، پس از دیدن شکافته شدن ماه گفتند: ما پیامبری تو را قبول نمی‌کنیم مگر این‌که کاروان‌های شام و یمن فرا رسند و از آن‌ها بپرسیم که آیا آنان هم در مسیر خود چنین چیزی را دیده‌اند یا نه؛ اما هنگامی که مسافران نیز از چنین حادثه‌ای خبر دادند، آنان بر سر قولشان نماندند و ایمان نیاوردند.

آری، هنگامی که انسان دریغ‌های عقلش را بر حقیقت ببندد و برای مخالفت با چیزی که با هوای نفس و شهوت‌هایش سازگار نیست، هر گونه رفتار نادرستی را روا بداند، خدا نیز چشم دلش را کور می‌کند و او را در راه باطلش استوارتر می‌کند؛ چنان‌که در آیه‌ی ۵ سوره‌ی صف می‌خوانیم: «هنگامی که از حق منحرف شدند، خدا نیز دل‌هایشان را از حقیقت منحرف کرد، و خدا افراد نافرمان را هدایت نمی‌کند.» در این هنگام حتی اگر در پیش چشم انسان، ماه هم به دو نیم تقسیم شود، او به ایمان و رستگاری رو نمی‌کند و حتی در باتلاق لجاجت بیشتر فرو می‌رود. خداوند در آیه‌ی ۱۴۶ سوره‌ی اعراف در باره‌ی چنین افرادی می‌فرماید: کسانی را که در زمین تکبر می‌ورزند، بدون این‌که حق چنین کاری را داشته باشند، از ایمان به آیات و نشانه‌هایم باز می‌دارم؛ و در این صورت، اگر تمام نشانه‌ها و معجزات را نیز ببینند، باز هم ایمان نمی‌آورند، و اگر راه رشد و هدایت را ببینند، آن را راه و روش زندگی خود انتخاب نمی‌کنند، و اگر راه گمراهی را ببینند، آن را راه و روش زندگی‌شان انتخاب می‌کنند. این مجازات سخت، بدین علت است که آنان نشانه‌ها و معجزات ما را دروغ شمردند و همیشه از آن غافل بودند.

خُشْعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾

در حالی که هوشمانشان (از ترس و ذلت) فرو افتاده، همچون ملخهایی که (به هر سو) پراکنده شده‌اند، از قبرا (پیشان) بیرون می‌آیند؛ ۷ (و با ترس و وحشت) زود آن

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكٰفِرُونَ هٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾ كَذَّبَتْ

دعوت کننده می‌شفتند. کافران خواهند گفت: «این، روزی سخت و دشوار است.» ۸ پیش از این‌ها (نیز) قوم نوح (رسالت او را) آشکار کردند؛ بدین صورت که بنده‌ی

قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدَجَرَ ﴿٩﴾ فَدَعَا

(خاص) ما را دروغگو شدند و گفتند: «دیوانه است.» ۹ (آن بنده‌ی صالح، با آزار و اذیت، از فعالیت‌هایش) بپادشاه شد. ۹ آنگاه پروردگارش را خواند (و گفت: «من

رَبِّيَ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرَ ﴿١٠﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنَمَّرٍ

مغلوب (این قوم) شده‌ام؛ پس (به سبب بدکاری‌شان، آنان را) مجازات کن.» ۱۰ پس درهای آسمان را با آبی که به شدت می‌بارید، گشودیم. ۱۱ و زمین را برای بیرون

﴿١١﴾ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قُدْرٍ ﴿١٢﴾

آوردن آب شکافتیم؛ در حالی که (گویند) سراسر آن را (چشمه‌هایی (فرا گرفته) بود، پس آب‌های آسمان و زمین، بر اساس فرمانی که (از سوی خدا) مقرر شده بود، به

وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسِّرُ ﴿١٣﴾ تَجْرَىٰ بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَن كَانَ

یکدیگر رسانیدند. ۱۲ و نوح را بر آن (کشتی) که تخته‌های چوب و میخ‌هایی داشت، سوار کردیم؛ ۱۳ در حالی که زیر نظر و حمایت ما حرکت می‌کرد. (چنین کردیم) تا

كُفِّرَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِن مَّدَكِرٍ ﴿١٥﴾ فَكَيْفَ كَانَ

پاداشی باشد برای کسی که (وجودش نعمت بود؛ ولی آن نعمت) ناسپاسی شد. ۱۴. به راستی آن (کشتی) را نشانه‌ای به جای گذاشتیم؛ آیا کسی هست که عبرت گیرد؟ ۱۵

عَذَابِي وَنُذِرٍ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مَّدَكِرٍ

(اکنون که سرنوشت آنان را فهمیدید، بگویند حق بودن) عذاب و هشدارهای من چگونه بوده است؟ ۱۶ به راستی قرآن را برای پند گرفتن آسان کرده‌ایم؛ آیا کسی هست که

﴿١٧﴾ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرٍ ﴿١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

پند کردید؟ ۱۷ (قوم) عاد (هشدارهای خود) را دروغ شدند؛ پس (سرنوشت‌شان را ببینید و بگویند حق بودن) عذاب و هشدارهای من چگونه بوده است؟ ۱۸ ما تندبادی سرد و

رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمٍ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ

فریده را در روزی شوم که شومی‌اش (تا هشت روز) ادامه داشت، به سوی آنان فرستادیم و بر ایشان مسلط کردیم؛ ۱۹ (بادی) که آن مردم (توهمند) را از جای خود بر

نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرٍ ﴿٢١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ

می‌گند (و بر زمین می‌کوبید؛ چنان که) گویی تنه‌های درختان خرما هستند که از ریشه فرآیند دارند. ۲۰ (اکنون که سرنوشت‌شان را فهمیدید، بگویند حق بودن) عذاب و

لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مَّدَكِرٍ ﴿٢٢﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ﴿٢٣﴾ فَقَالُوا أَبَشْرًا

هشدارهای من چگونه بوده است؟ ۲۱ به راستی قرآن را برای پند گرفتن آسان کرده‌ایم. پس آیا کسی هست که پند کرد؟ ۲۳ (قوم) ثمود، هشدارهای صالح را دروغ

مِنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفَىٰ ضَلَلٍ وَسُعُرٍ ﴿٢٤﴾ أَعْلَقِي الذِّكْرَ عَلَيْهِ

شعرند. ۲۴ پس گفتند: «آیا از بشری تک و تنها (و بی‌نیاز) که از نوع خود ماست، پیروی کنیم؟ در این صورت قطعاً ما در اشتباه و حماقت (بزرگی) به سر خواهیم برد.

﴿٢٥﴾ سَيَعْلَمُونَ غَدًا مِّنَ الْكَذَّابِ ﴿٢٥﴾

۲۴ آیا از میان ما، وی بر او نازل شده است؟ (چنین نیست)؛ بلکه او بسیار دروغگو و مغرور و سرمست است. « ۲۵ بی‌گمان فردا خواهند دانست که چه کسی دروغگو و

الْأَشْرُ ﴿٢٦﴾ إِنَّا مَرْسَلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَبِعْهُمْ وَاصْطَبِرِ ﴿٢٧﴾

مغرور و سرمست است. ۲۶ (ای صالح) ما برای آزمایش آنان، این ماده شتر را زود آنان خواهیم فرستاد. پس منتظر (مکمل‌العمل) آنان باش و هر چند زحمت داده باش، صبر کن. ۲۷

۱۷. قرآن؛ پندآموزی روان و مهربان: کلمات این آیه، به همین صورت، سه بار دیگر در همین سوره تکرار شده، و این تکرار، نشانگر اهمّیت آن است. خدای مهربان در این آیه تأکید می‌کند که قرآن را برای پند گرفتن، آسان کرده است. آری، هرچند که عمیق‌ترین و والاترین معارف و علوم جهان در قرآن آمده، زبان قرآن، زبانی شیرین و آسان است و خوانندگان آن از هر قشری و با هر رتبه‌ی علمی، آن را به اندازه‌ی خود می‌فهمند، از خواندنش لذّت می‌برند و از خرمن پهناورش خوشه می‌چینند. داستان‌های زیبا، مثال‌های گویا، پندهای رسا و آموزه‌های خواندنی قرآن، بیش از هزار و چهارصد سال مورد توجّه مسلمانان جهان بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و هر روز بر شادابی و طراوتش افزوده شده است. به‌راستی اگر قرآن به گونه‌ای سخن می‌گفت که تنها دانشمندان و فلاسفه از آن بهره می‌بردند، به‌سرعت از میان مردم رخت برمی‌بست.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر خداوند قرآن را آسان قرار نمی‌داد، هرگز کسی قدرت نداشت حرفی از آن را تلفظ کند.» خداوند اما برنامه‌ی زندگی و راه سعادت انسان‌ها را با زبانی ساده و گویا در یک جلد کتاب چنان بیان کرده که همه‌کس از آن بهره می‌برد. این ویژگی، یکی از معجزات قرآن و دلایل آسمانی بودن آن نیز هست؛ زیرا هیچ انسانی نتوانسته است چنین علوم گران‌قدری را با زبانی ساده در یک جلد کتاب جمع‌آوری کند و توضیح دهد؛ به طوری که همگان از آن بهره‌برند و گذر زمان آن را کهنه نکند. البته همان‌طور که گفته شد، خدا هدف مهمّی از آسان کردن زبان قرآن داشته است؛ هدف مهمّی که سعادت ما انسان‌ها در گرو آن است؛ «پند گرفتن و تذکّر از آیات قرآن». از این رو پس از بیان این‌که قرآن برای پند گرفتن آسان شده است، خداوند از ما می‌پرسد: آیا کسی هست که از آیات شیوای قرآن پند گیرد؟ به‌راستی چه افسوس‌برانگیز است که یک مسلمان که در تمام زندگی خود، کتاب آسمانی خویش را یک بار از ابتدا تا انتها نخوانده و از محتوای آن بی‌خبر باشد. از همین رو، پیشوایان دین، پیروان خود را به تلاوت مرتّب قرآن توصیه کرده‌اند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «قرآن، فرمان خدا به مخلوقاتش است؛ بنابراین شایسته است که هر مسلمانی در فرمان خدا بنگرد و روزی پنجاه آیه از آن را بخواند.» در حدیث دیگری از امام سجّاد علیه السلام نقل شده است: «آیات قرآن، گنجینه هستند؛ پس هرگاه که گنجینه‌ای باز می‌شود، شایسته است که در آن نگاه کنی.» در حدیثی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام پیش از تلاوت قرآن، در جملاتی به خدا عرضه می‌کرد: «خدایا، خواندن مرا همراه با تفکّر، و تفکّر مرا همراه با عبرت‌آموزی قرار ده، و مرا از کسانی قرار بده که از پندهای آن پند می‌گیرند و از نافرمانی‌ات پرهیز می‌کنند... و خواندنم را خواندنی بدون تدبّر قرار مده؛ بلکه مرا به گونه‌ای قرار ده که در آیات قرآن تدبّر کنم...»

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ ﴿٢٨﴾ فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ

و به آنان خبریده که آب، میان آنان و ماده شتر، (یک روز در میان) تقسیم شده است (و) هر یک باید در نوبت خود بر سر آب بیرونند. ۲۸ پس (ماده شتر را

فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ﴿٢٩﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِي ﴿٣٠﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

فرستادیم، و آنان، هم قبیله ای شان را صدا زدند. پس (او) به ناحق (ماده شتر را) گرفت و با بریدن رگ پایش، آن را کشت. ۲۹ پس (سر نوشت شان را ببینید و

صِيحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ

بگویند حق بودن) عذاب و هشدارهای من چگونه بوده است؟ ۳۰ ما بر آنان یک صیحه ای (آسمانی) فرستادیم، و در نتیجه، هم چون گیاهان خشک شدند که

لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ ﴿٣٢﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ﴿٣٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا

آغاز ساز (از آن‌ها برای ساخت آغل) استفاده می‌کند. ۳۱ براستی قرآن را برای پند گرفتن آسان کرده ایم؛ پس آیا کسی هست که پند گیرند؟ ۳۳ قوم لوط،

عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ﴿٣٤﴾ نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا

هشدارها را دروغ شمردند. ۳۳ ما به سوی آنان، توفانی از شن فرستادیم و بر ایشان مسلط کردیم؛ (البته) جز خاندان لوط که در سر کمانی نجات شان دادیم.

كذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ﴿٣٥﴾ وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا

۳۴ (نجات آنان) از روی لطف و نعمتی ویژه از جانب ما بود. بدین سان (که به آنان لطف کردیم) به کسانی که شکر گزینی می‌کنند، پاداش می‌دهیم. ۳۵

بِالنُّذُرِ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ رَاودُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا

براستی (لوط) به آنان در مورد مجازات و اعمال خشونت ما هشدار داده بود؛ پس آنان در مورد (این) هشدارها بحث و جدل کردند و آن‌ها را دروغ

عَذَابِي وَنُذُرِي ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُسْتَقَرٌّ ﴿٣٨﴾

شمردند. ۳۶ براستی، با اصرار میوه‌آنان را از او خواستند. در نتیجه، چشمان شان را (از صورت هایشان) محو کردیم (و به آنان گفتیم: «طعم عذاب و

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِي ﴿٣٩﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدْكِرٍ

هشدارهای مرا به‌شید». ۳۷ و حقا که عذاب پایدار در آغاز روز سراغ شان آمد. ۳۸ (به آنان گفته شد: «چین (طعم) عذاب و هشدارهای مرا به‌شید». ۳۹

﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿٤١﴾ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَآخَذْنَاهُمْ

براستی قرآن را برای پند گرفتن آسان کرده ایم؛ پس آیا کسی هست که پند گیرند؟ ۴۰ براستی هشدارها را در نوبت خود فرعون آمدند. ۴۱ (و) آنان تمام

أَخَذَ عَزِيزٌ مُقْتَدِرٌ ﴿٤٢﴾ أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِنْ أَوْلَائِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ

نشانه‌ها و معجزات ما را دروغ شمردند. پس آنان را مجازات کردیم؛ مجازات فردی که شکست ناپذیر و بر هر کاری تواناست. ۴۲ آیا کاران شما از آنان بهتر

فِي الزُّبُرِ ﴿٤٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرٌ ﴿٤٤﴾ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ

هستند؟ آیا در کتاب‌های آسمانی پیشین، برای شما (سندی در مورد) رهایی و دوری (از آتش) وجود دارد؟ ۴۳ آیا می‌گویند: «ما جماعتی هستیم که (با

وَيُولُونَ الذُّبُرُ ﴿٤٥﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ آدْهَىٰ وَأَمْرٌ

یاری یکدیگر از عذاب) حفظ می‌شویم؟ ۴۴ بی‌شک این جماعت شکست خواهند خورد و پشت می‌کنند و پا به فرار می‌گذارند. ۴۵ قیامت، وعده‌گاه آنان

﴿٤٦﴾ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٤٧﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ

است، و قیامت، سخت‌تر و تلخ‌تر است. ۴۶ گنه‌کاران در (دنیا) در گمراهی و حماقتی (شدید) به سر می‌برند. ۴۷ روزی که بر صورت هایشان در آتش کشیده

عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٤٨﴾ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٤٩﴾

می‌شوند، (به آنان گفته می‌شود: «حرارت دوزخ را به‌شید». ۴۸ ما هر چیزی را در حالی آفریدیم که (از هر جهت) سنجیده و اندازه‌گیری شده است. ۴۹

﴿٥٠﴾ وَنَبِّئُهُمْ بِالنَّارِ الَّتِي يُسْحَبُونَ فِيهَا بِأَفْئِدَتِهِمْ إِلَىٰ مَا هُمْ كَاذِبُونَ ﴿٥١﴾

۵۰ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده می‌شوند. ۵۱ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده

﴿٥٢﴾ وَنَبِّئُهُمْ بِالنَّارِ الَّتِي يُسْحَبُونَ فِيهَا بِأَفْئِدَتِهِمْ إِلَىٰ مَا هُمْ كَاذِبُونَ ﴿٥٣﴾

۵۲ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده می‌شوند. ۵۳ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده

﴿٥٤﴾ وَنَبِّئُهُمْ بِالنَّارِ الَّتِي يُسْحَبُونَ فِيهَا بِأَفْئِدَتِهِمْ إِلَىٰ مَا هُمْ كَاذِبُونَ ﴿٥٥﴾

۵۴ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده می‌شوند. ۵۵ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده

﴿٥٦﴾ وَنَبِّئُهُمْ بِالنَّارِ الَّتِي يُسْحَبُونَ فِيهَا بِأَفْئِدَتِهِمْ إِلَىٰ مَا هُمْ كَاذِبُونَ ﴿٥٧﴾

۵۶ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده می‌شوند. ۵۷ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده

﴿٥٨﴾ وَنَبِّئُهُمْ بِالنَّارِ الَّتِي يُسْحَبُونَ فِيهَا بِأَفْئِدَتِهِمْ إِلَىٰ مَا هُمْ كَاذِبُونَ ﴿٥٩﴾

۵۸ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده می‌شوند. ۵۹ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده

﴿٦٠﴾ وَنَبِّئُهُمْ بِالنَّارِ الَّتِي يُسْحَبُونَ فِيهَا بِأَفْئِدَتِهِمْ إِلَىٰ مَا هُمْ كَاذِبُونَ ﴿٦١﴾

۶۰ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده می‌شوند. ۶۱ و خبر ده که آتش است که در آن سحر می‌کنند و با سرهای خود در آتش کشیده

۴۹. جهان آفرینش؛ سنجیده و حساب شده: خداوند در قرآن کریم بارها از آفرینش هستی سخن به میان آورده که همراه با «سنجش و اندازه‌گیری» بوده است. در آیات ۲ و ۳ سوره‌ی اعلی می‌فرماید: خدا، کسی‌ست که هر موجودی را آفرید و خلقتش را کامل و بی‌نقص و از هر نظر سنجیده و اندازه‌گیری شده قرار داد و به هدف مشخص راهنمایی کرد. در آیه‌ی ۲ سوره‌ی فرقان نیز می‌خوانیم: «خدا همه چیز را آفرید و شکل و اندازه‌اش را به خوبی معین کرد.» آیه‌ی مورد بحث نیز به همین نکته اشاره کرده، می‌فرماید: «ما هر چیزی را در حالی آفریدیم که از هر جهت سنجیده و اندازه‌گیری شده است.» شاید مردمی که در زمان نزول این آیات زندگی می‌کردند، مانند ما از اندازه‌گیری دقیق خدا در عالم هستی آگاه نبودند؛ زیرا پیشرفت چشم‌گیر بشر در علوم گوناگون، چیزی جز پرده‌برداری از همین اندازه‌گیری بی‌نقص نیست. آری، قوانین متنوعی که در علوم فیزیک، شیمی، نجوم و ... ثابت شده و مطرح است، همان اندازه‌گیری و سنجش دقیق آفریدگار هستی‌ست که از زمان خلقت اشیاء با آن‌ها همراه بوده و هست. این‌که دانشمندان فیزیک می‌توانند زمان دقیق رسیدن جسمی را از آسمان به زمین با توجه به جرم آن و قانون جاذبه محاسبه کنند؛ این‌که دانشمندان شیمی می‌دانند که عالم ماده از ۱۰۷ عنصر پدید آمده و با ترکیب هر یک از این عناصر با دیگری، ماده‌ی خاصی پدید می‌آید؛ و این‌که دانشمندان نجوم می‌توانند زمان دقیق خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی و طلوع و غروب خورشید را محاسبه کنند، همه و همه ترجمه‌ی زنده‌ی همین آیه است که می‌فرماید: ﴿إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾.

بهتر است اندکی در بدن خودمان دقت کنیم؛ نوع سلول‌های هر عضو و شمار آن‌ها به گونه‌ای طراحی شده که هر یک از اعضا، وظیفه‌ی خود را به دقت انجام می‌دهد. برای مثال، مغز انسان از صد میلیون بیلیون (یعنی عدد یک با ۲۶ صفر جلوی آن) اتم تشکیل شده که با هم مولکول‌ها، و مولکول‌ها نیز سلول‌های مغز را به وجود آورده‌اند؛ سلول‌هایی که مأموریت رهبری بدن را به عهده دارند، و البته هر یک به‌خوبی می‌دانند چه وظیفه‌ای دارند و مأمور نظارت بر کدام قسمت بدن هستند؛ سلول‌هایی نرم و خاکستری با آسیب‌پذیری فراوان که به فرمان خدا در دژی محکم به نام جمجمه قرار گرفته‌اند تا از ضربات احتمالی خارجی حفظ شوند. آیا محکم بودن سلول‌های جمجمه و نرم بودن سلول‌های مغز که منشأ هر دو، همان ۱۰۷ عنصر اصلی‌ست، سزاوار توجه نیست؟ آری، واقعیت این است که تمام عالم هستی، از عالم گیاهان، حیوانات، انسان‌ها، ستارگان، اتم‌ها، سلول‌ها و ... همه و همه با زبان بی‌زبانی شهادت می‌دهند که ﴿إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾.

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿۵۰﴾ وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا

و فرمان ما يك بار بیش نیست، (و فوری عملی می‌شود،) همچون چشم بر هم زدن. ۵۰ بی تردید امثال شما را

أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مَدَكِرٍ ﴿۵۱﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي

(در کفر و گمراهی) هلاک کردیم؛ و پس آیا کسی هست که پند گیرد؟ ۵۱ و هر کاری کردند، در نامه‌های اعمال ثبت

الزُّبُرِ ﴿۵۲﴾ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ ﴿۵۳﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي

شده است. ۵۲ و هر (کار) ریز و درشتی، (در نامه‌های اعمال) نوشته شده است. ۵۳ پرهیزگران در باغ‌هایی (بی‌نظیر)

جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿۵۴﴾ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿۵۵﴾

(و در کنار) نهرهایی (وصف ناشدنی) به سر می‌برند؛ ۵۴ در جایگاهی نیکو نزد پادشاهی که بر هر کاری تواناست. ۵۵

آیاتها سُبْحَانَ الرَّحْمَنِ ﴿۷۸﴾

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

الرَّحْمَنِ ﴿۱﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿۲﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿۳﴾

(خدای) رحمان، ۱ قرآن را یاد داد. ۲ انسان را آفرید. ۳

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿۴﴾ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ﴿۵﴾ وَالنَّجْمُ

(و) به او توضیح دادی (مقصودش به دیگران) را آموخت. ۴ خورشید و ماه، بر حسابی (منظم و دقیق روان) هستند. ۵ و گیاهان

وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ﴿۶﴾ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿۷﴾

بی‌ساقه و (نیز) گیاهان ساقه‌دار، (در برابر خدا) خاضع و فرمان‌برند. ۶ و آسمان را برافراشت، و وسیله‌ی وزن کردن را قرار داد؛

﴿۷﴾ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿۸﴾ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ

(و مقرر کرد) که در سنجش و وزن کردن، از حد (انصاف و عدالت) مگذرید؛ ۸ و عادلانه و بی‌کج‌وکاست

وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿۹﴾ وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ ﴿۱۰﴾

وزن کنید و در وزن کردن کم مگذارید. ۹ و زمین را برای (بهره‌بردن) جانداران (از زمین) قرار داد. ۱۰

فِيهَا فَالِكِهَّةُ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ﴿۱۱﴾ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ

در آن، میوه و درختان خرما و وجود دارد که شکوفه‌ها و میوه‌هایش (در ابتدا) دارای پوشش است. ۱۱ و (انواع) دانه‌های خوراکی

وَالرَّيْحَانُ ﴿۱۲﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۱۳﴾ خَلَقَ

که (گیاهش) دارای برگ است و (نیز) گیاهان خوشبو (در زمین وجود دارد). ۱۲ پس (ای دو گروه جن و انس)، کدام یک از

الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ﴿۱۴﴾ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ

نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۱۳ انسان را از گل خشکیده‌ای سفال‌مانند آفرید. ۱۴ و جن را از شعله‌ای

مَارِجٍ مِنْ نَارٍ ﴿۱۵﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۱۶﴾

از آتش آفرید. ۱۵ پس (ای دو گروه جن و انس)، کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۱۶

حزب ۵۴

۴. بیان؛ یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا به انسان؛ ما انسان‌ها از خاطرات خود با یکدیگر سخن می‌گوییم و جزئیات آن را نیز به‌خوبی توضیح می‌دهیم. همچنین اطلاعات خود را در اختیار دیگران می‌گذاریم و علوم و دانش‌های گوناگون خویش را موبه‌مو به دیگران منتقل می‌کنیم، و این به ما اجازه می‌دهد که به علوم گذشته دسترسی داشته باشیم، و به وسیله‌ی آن، از نردبان ترقی و پیشرفت بالا رویم. به نظر می‌رسد که حیوانات و پرندگان نیز از نوع ویژه‌ای از سخن گفتن بهره‌مندند که برای ما شناخته‌شده نیست. در میان مخلوقات، انسان‌ها مورد لطف خاص خدا قرار گرفته‌اند و قدرت «بیان» یعنی روشن کردن مقصود خود برای مخاطب به آنان داده شده است. البته در عالم انسان‌ها، این بیان به شکل‌های متنوعی انجام می‌شود که آشکارترین نمونه‌ی آن، سخن گفتن است؛ عملی که ما هر روز و هر ساعت با آن سر و کار داریم و شاید به سبب دائمی بودنش، به ارزش آن بی‌توجه شده باشیم؛ اما دقت در آن نشان می‌دهد که فرایندی پیچیده در وجود انسان است.

به‌راستی چه اتفاقی می‌افتد که کودک زبان‌بسته‌ی یکی دو ساله که در ابتدا تنها با اشاره و گریه کردن، خواسته‌های خود را می‌گفت، ناگهان زبان باز می‌کند و از خواسته‌ها، دردها، ناراحتی‌ها یا خوشحالی‌هایش می‌گوید؟ اصلاً چه اتفاقی می‌افتد که خود ما سخن می‌گوییم؟ از یک سو دستگاه‌های صوتی برای ایجاد اصوات گوناگون با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ ریه‌ها هوا را در خود جمع می‌کنند و آن را به آرامی از حنجره بیرون می‌فرستند؛ تارهای صوتی به حرکت درمی‌آیند و صداهای کاملاً متفاوتی را ایجاد می‌کنند که بعضی نشانه‌ی رضایت، و برخی نشانه‌ی خشم، و دیگری برای کمک خواستن، و دیگری، علامت دوست یا دشمن داشتن است. سپس این صداها با کمک زبان و لب‌ها و دندان‌ها و فضای دهان، حروف الفبا را با سرعت و ظرافت خاصی به وجود می‌آورند؛ گویی آن صدای ممتد و یکنواخت که از حنجره بیرون می‌آید، به اشکال و اندازه‌های متفاوت بریده می‌شود و حروف پدید می‌آیند. از سوی دیگر، پیدایش کلمات پرشمار و زبان‌های گوناگون جهان نیز یکی از شگفتی‌های خلقت محسوب می‌شود. انسان با پیشرفت فکری، نام‌های گوناگونی بر اشیاء گذاشته، و برای انواع نیازهایش، واژه‌های فراوانی را پدید آورده است. جالب توجه این‌که انسان در ایجاد لغات و واژگان، به هیچ‌وجه محدود نیست، و به همین سبب، زبان‌های فراوانی با کلماتی بسیار در جهان وجود دارد که با گذشت زمان، زیادتر هم می‌شوند. غیر از سخن گفتن اما انسان راه‌های دیگری نیز برای بیان مقصود خود دارد؛ راه‌هایی مانند نوشتن و انواع هنرها. به‌راستی اگر روزی این نعمت بزرگ از انسان‌ها گرفته شود، جامعه‌ی انسانی به‌سرعت به انحطاط کشیده می‌شود و پس از مدتی، به گروهی از حیوانات شبیه خواهد شد. پس بیجا نیست که خدای بزرگ پس از یادآوری انسان‌ها به نعمت وجود (خَلَقَ الْإِنْسَانَ)، به نعمت بیان اشاره کرده است (عَلَّمَهُ الْبَيَانَ).

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٨﴾

مالک و صاحب اختیار دو مشرق و دو مغرب است. ۱۷ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۱۸ دو دریای شور و

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١٩﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿٢٠﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢١﴾

شیرین) را روان کرد؛ درحالی که (بیوسته) با یکدیگر برخورد می‌کنند؛ حال آن‌که میان آن دو، حایلی است که (به واسطه‌ی آن، هیچ یک از دریاها) از مرز خود

فِرَاقَهُنَّ يَرْوَدُنَّ (و با دیگری مخلوط نمی‌شوند). ۲۰ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۲۱ از آن دو (دریا)،

عَالَمٍ مِّمَّا تُكَدِّبَانِ ﴿٢٢﴾ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ

مروارید و مرجان بیرون می‌آید. ۲۲ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۲۳ کشتی‌های پرافراشته‌ی ابدان که

﴿٢٤﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٢٥﴾ كُلُّ مَنَ عَلَيْهِا فَا نِ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَى

همچون کوه‌های غول پیک در دریا (روان) هستند، تنها از آن اویند. ۲۴ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار

وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

می‌کنید؟ ۲۵ هر کس که روی زمین است از بین خواهد رفت. ۲۶ و (تنها) ذات مالک و صاحب اختیار باقی می‌ماند؛ (ذاتی) که با عظمت است و (پاکان در گناهش

﴿٢٨﴾ يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

را) گرامی می‌دارد. ۲۷ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۲۸ هر کس که در آسمان و زمین است، دست نیاز به

﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٠﴾ سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ

سوی او دارد (و او در هر لحظه به کاری بزرگ مشغول است). ۲۹ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۳۰ ای دو

﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٢﴾ يَمَعَشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

گروه گران قدر، بنزدی سرافرازان می‌آیم و به طور خاص به کار شما رسیدگی خواهیم کرد. ۳۱ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَن تَنْفُذُوا مِن أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا

را انکار می‌کنید؟ ۳۲ ای (دو) گروه جن و انس، اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان‌ها و زمین عبور کنید (و از دست خدا فرار کنید)، عبور کنید؛ (ولی) نمی‌توانید

﴿٣٤﴾ لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانِ ﴿٣٣﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٤﴾

بگذرید؛ مگر با قدرتی (از جانب خدا؛ زیرا شما کاملاً زیر سیطره‌ی خدا هستید). ۳۳ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٣٥﴾ فَبِأَيِّ

می‌کنید؟ ۳۴ از آتشی (وصف ناشدنی)، شعله‌ها و دوده‌هایی به سویتان فرستاده و بر شما مسلط می‌شود، و در نتیجه، (از آن) در امان نخواهید ماند. ۳۵ پس (ای

عَالَمٍ مِّمَّا تُكَدِّبَانِ ﴿٣٦﴾ فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً

دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۳۶ هنگامی که (تومار دنیا بپیچده شود و) آسمان شکاف بخورد و همچون چرم

كَالْدِهَانِ ﴿٣٧﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٣٨﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ

سرخ، قرمز شود، و وضع حشتناکی را مشاهده خواهید کرد). ۳۷ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را از انکار می‌کنید؟ ۳۸

عَنْ ذُنُوبِهِ إِنسٌ وَلَا جَانٌّ ﴿٣٩﴾ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٤٠﴾

پس در آن روز، هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نمی‌شود. ۳۹ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۴۰

۳۹ تا ۴۱. در آن روز از هیچ کس سؤال نمی‌شود: از آیات فراوانی فهمیده می‌شود که در قیامت، مردم مورد سؤال و پرسش الهی قرار می‌گیرند، و اصولاً قیامت، یک دادگاه بزرگ و عالم‌گیر است، و نخستین ویژگی دادگاه، سؤال و پرسش است. در آیات ۹۲ و ۹۳ سوره یحیی می‌خوانیم: «به پروردگارت سوگند که از همه‌ی آنها در باره‌ی کارهایشان سؤال می‌کنیم.» یا آیه‌ی ۶ سوره‌ی اعراف می‌فرماید: «بی‌شک از کسانی که پیامبران را به سویشان فرستادیم، سؤال می‌کنیم، و بی‌شک از پیامبران نیز سؤال خواهیم کرد.» یا آیه‌ی ۲۴ صافات بیان می‌کند که در قیامت، از سوی خدا فرمان سؤال و بازخواست گنه‌کاران فرا می‌رسد. پس چرا آیه‌ی ۳۹ سوره‌ی رحمن می‌گوید که در روز قیامت از هیچ کس سؤال نمی‌شود؟ مفسران قرآن برای حل این اختلاف ظاهری گفته‌اند که قیامت، روزی بسیار طولانی‌ست و انسان‌ها از گذرگاه‌های متعددی باید بگذرند و در هر صحنه باید مدتی بایستند. طبق بعضی از روایات، قیامت، پنجاه مرحله دارد. در برخی از این مراحل، سؤال و جواب وجود دارد؛ مردم در دفاع از خود سخن می‌گویند و حتی گنه‌کاران هم دروغ سر هم می‌کنند. در بعضی دیگر، بر دهان گنه‌کاران مهر زده می‌شود و اعضا و جوارح بدنشان در مورد کارهایشان توضیح می‌دهند. در بعضی مراحل نیز هیچ سخنی وجود ندارد؛ بلکه «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر ضمیر». در این مرحله، دیگر نیازی به سؤال و پرسش نیست؛ زیرا علامت مخصوصی در چهره‌ی گنه‌کاران ایجاد می‌شود که با آن شناخته می‌شوند و با کمال ذلت و خواری گرفته شده، در دوزخ افکنده می‌شوند. شناخته شدن گنه‌کاران از چهره‌هایشان، در آیات دیگری از قرآن نیز آمده است. در آیه‌ی ۱۰۶ سوره‌ی آل‌عمران می‌خوانیم که دشمنان خدا با چهره‌هایی سیاه و تاریک، و دوستان او با چهره‌هایی سفید و درخشان محشور می‌شوند؛ یا آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی یونس می‌فرماید که خواری و ذلت، چهره‌های گنه‌کاران را می‌پوشاند، و چهره‌هایشان چنان سیاه و تاریک است که گویی با پاره‌ای از شب تاریک و ظلمانی پوشانده شده است.

يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالتَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿٤١﴾ فَبَيِّ

کنه کاران از علامتشان شناخته می‌شوند؛ پس موهای جلوی پیشانی و پاها (پیشان) گرفته می‌شود (و در دوزخ افکنده می‌شوند). ۴۱ پس (ای دو گروه جن و

ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ ﴿٤٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ

(انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۴۲ این (همان) جهنمی است که کنه کاران آن را دوزخ می‌شردند؛ ۴۳ (ولی اکنون) میان آن و

﴿٤٣﴾ يَطْوِفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءانِ ﴿٤٤﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ

میان آبی داغ و جوشان در رفت‌وآمد هستند. ۴۴ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۴۵ هر کس که از

﴿٤٥﴾ وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٤٦﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ

مقام و منزلت پروردگارش بترسد، (در بهشت) دو باغ خواهد داشت. ۴۶ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟

﴿٤٧﴾ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ ﴿٤٩﴾ فِيهِمَا

۴۷ با شاخسارهایی انبوه و پرپرک. ۴۸ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۴۹ در آن دو (باغ)، دو چشمه

عَيْنَانِ تَجْرِيانِ ﴿٥٠﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ ﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِنْ

وجود دارد که (لهمزه) جاری است. ۵۰ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۵۱ در آن دو (بهشت)، از هر

كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ ﴿٥٣﴾ مُتَّكِعِينَ

میوه، دو نوع وجود دارد. ۵۲ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۵۳ و این در حالی است که بر فرش‌هایی

عَلَى فُرُشٍ بَطَّائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ ﴿٥٤﴾ فَبَيِّءِ

نشسته‌اند که لایه‌ی زیرین آن‌ها، از ابریشم ضخیم است؛ (چهارسد به رویه‌ی آن)، و میوه‌های آن دو باغ، نزدیک (و در دسترس) است. ۵۴ پس (ای دو گروه

ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ ﴿٥٥﴾ فِيهِنَّ قَصْرٌ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئِنَّ

جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۵۵ در میان آن (نعمت)‌ها، زائلی هستند که چشمان خود را (از غیر همسران‌شان) فرو

إِنْسٍ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٥٦﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ ﴿٥٧﴾

می‌افکنند (به کسی غیر از شوهران‌شان نظر ندارند، و) پیش از شوهران‌شان (بیز) دست هیچ انس و جنی به آنان نرسیده است. ۵۶ پس (ای دو گروه جن و

كَاثِبِينَ الْيَاقُوتِ وَالْمَرْجَانِ ﴿٥٨﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ ﴿٥٩﴾

(انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۵۷ (در زیبایی و درخشش) گویند یاقوت و مرجان‌اند. ۵۸ پس (ای دو گروه جن و انس)

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ﴿٦٠﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ

کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۵۹ آیا پاداش نیکی جز نیکی، است؟ ۶۰ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های

تُكذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّاتٍ ﴿٦٢﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ

پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۶۱ دو باغ دیگر (در مرتبه‌ای پایین‌تر از آن دو (باغ) وجود دارد. ۶۲ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های

تُكذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَامَتَانِ ﴿٦٤﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ ﴿٦٥﴾

پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۶۳ (دو باغ) که در نهایت سبزی و خوشمی‌ست. ۶۴ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار

فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَبَيِّءِ ءالاءِ رَبِّكُمْ تُكذِّبَانِ ﴿٦٧﴾

می‌کنید؟ ۶۵ در آن دو (باغ)، دو چشمه‌ی جوشان وجود دارد. ۶۶ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۶۷

۶۰. پادشاه احسان: این آیه، یک قانون عمومی در زبان قرآن است که برای خدا و خلق خدا به کار می‌رود. بر اساس این قانون، احسان و نیکی هر کس باید با لطف و احسان متقابل جبران شود. البته به فرموده‌ی امام صادق علیه السلام، پاسخ نیکی باید برتر از خود نیکی باشد؛ زیرا کسی که اول نیکی کرده، به سبب شروع احسان، لطف بزرگ‌تری نشان داده است. در روایتی از آن حضرت می‌خوانیم: «آیه‌ای در قرآن است که عمومیت دارد... این سخن خدا که می‌فرماید ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾، شامل کافر و مؤمن و نیکوکار و گنه‌کار می‌شود؛ و هر کس که به او نیکی شود، باید جبران کند، و جبران این نیست که به اندازه‌ی او نیکی کنی؛ بلکه باید بیش از آن باشد؛ زیرا اگر همانند آن باشد، نیکی او برتر است؛ زیرا او آغازگر بوده است.» از این رو خدا نیز در برابر اعمال محدود افراد باایمان، نعمت‌های بی‌پایان و باغ‌های پهناور بهشتی را برای همیشه در اختیارشان خواهد گذاشت و همو این پادشاه چندبرابر را «احسان» نامیده است.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «هنگامی که فرد باایمان، عملش را به خوبی انجام دهد، خدا هر کار خوبش را هفتصد برابر می‌کند... بنابراین، کارهایی را که برای پادشاه الهی انجام می‌دهید، خوب انجام دهید.» شخصی که این حدیث را نقل کرده، می‌گوید که از امام علیه السلام پرسیدم: «چگونه به خوبی انجام دهیم؟» امام علیه السلام فرمود: «هنگامی که نماز می‌خوانی، رکوع و سجده‌ات را خوب انجام بده. وقتی روزه می‌گیری، از کارهایی که روزها را خراب می‌کند، بپرهیز. هنگامی که حج می‌روی، از آنچه در حج و عمره ممنوع است، دوری کن، و هر کاری که برای خدا انجام می‌دهی، باید از آلودگی‌ها پاک باشد.» البته همان‌طور که گفته شد، قانون جبران نیکی‌ها، فقط در مورد خدا نیست؛ بلکه انسان‌ها نیز باید این قانون را رعایت کنند. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «کیفر چهار چیز، بسیار سریع است؛ [یکی از آن‌هاست] کیفر کسی که به او نیکی کنی و او احسان تو را با بدی پاسخ دهد.» حتی شکستن قانون جبران نیکی‌ها باعث می‌شود که گاهی مردم برای انجام کار خوب بی‌انگیزه شوند. از این رو در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «خداوند، راه‌زنان جا‌دهی خوبی را از رحمت خود دور می‌کند.» به ایشان عرض کردند: «راه‌زنان جا‌دهی خوبی چه کسانی هستند؟» حضرت فرمود: «کسی که به او خوبی می‌شود و او ناسپاسی می‌کند، و همین کار، آن شخص خوبی‌کننده را از خوبی کردن به دیگران بازمی‌دارد.»

فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾ فَيَا أَيُّهَا آلَاءُ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

در آن دو (باغ درختان) میوه، (به‌ویژه) درختان خرما و انار وجود دارد. ۶۸ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۶۹

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَيَا أَيُّهَا آلَاءُ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧١﴾ حَوْرٌ

در میان آن (نعمت‌ها) زنانی خوش‌اخلاق و زیبارو حضور دارند. ۷۰ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۷۱ حوریانی

مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَيَا أَيُّهَا آلَاءُ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٣﴾

سفيدرو و درخت چشم که (دور از چشم بیگانگان) در سرایر دهها نگهداری می‌شوند. ۷۲ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار

لَمْ يَطْمِئِنَّا نَفْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ ﴿٧٤﴾ فَيَا أَيُّهَا آلَاءُ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

می‌کنید؟ ۷۳ حوریانی که پیش از شهران‌شان دست هیچ انس و جنی به آنان نرسیده است. ۷۴ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان

مُتَّكِعِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضِرٍ وَعَبْقَرِيِّ حِسَانٍ ﴿٧٦﴾ فَيَا أَيُّ

را انکار می‌کنید؟ ۷۵ و این در حالی است که بر زینان‌زهای سبز رنگ و پلچه‌هایی نقش و نگار دار و زیبا نشسته‌اند. ۷۶ پس (ای دو گروه جن و انس) کدامیک

آلَاءُ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿٧٧﴾ تَبْرَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟ ۷۷ پس بزرگ و بلند مرتبه است نام مالتک و صاحب‌اختیارت که با عظمت است و (پاکان درگاهش را) گرامی می‌دارد. ۷۸

سُورَةُ الْوَاقِعَةِ ﴿٩٦﴾ آیاتها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشندهی مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لَوْعَتِهَا كاذِبَةٌ ﴿٢﴾ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ ﴿٣﴾

آنگاه که آن واقعه اتفاق افتد؛ ۱ (البته) هیچ دروغی در وقوع آن نیست. ۲ (این واقعه، گروهی را) پایین می‌آورد و (عددی دیگری را)

﴿٣﴾ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا ﴿٤﴾ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾

بالا می‌برد. ۳ آنگاه که زمین واقعاً آرزانده شود؛ ۴ و کوه‌ها حقیقتاً کوبیده و خرد شوند؛ ۵ پس چون کرد

فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا ﴿٦﴾ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحَابُ

و غباری در می‌آیند که (در فضا) پراکنده شده است. ۶ و (هنگامی که) شما سه گروه شوید؛ ۷ سعادتمندان؛ (که) چه هستند این سعادتمندان؟

الْمِيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمِيْمَنَةِ ﴿٨﴾ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ

۸ و سیه‌روان؛ (که) چه هستند این سیه‌روان؟ ۹ و سبقت‌گیرندگان و پیشگامان؛ (که) چه هستند این سبقت‌گیرندگان؟ و همین قدر می‌توان گفت

الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾ وَالسَّلِيْقُونَ السَّلِيْقُونَ ﴿١٠﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾

(که) سبقت‌گیرندگان و پیشگامان‌اند. ۱۰ مقربان (دوگانه الهی) آنان‌اند؛ ۱۱ (که) در باغ‌های پر نعمت (بهشت) به سر می‌برند؛ ۱۲

فِي جَنَّاتٍ التَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ

جماعت انبوهی از گذشتگان؛ (که) معصومین امت‌های قبل هستند؛ ۱۳ و شمار اندکی از آخرین (امت)؛ که معصومین این امت هستند؛

﴿١٤﴾ عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَيْهَا مُتَّقِلِينَ ﴿١٦﴾

در حالی که بر تخت‌هایی زربافت (و جواهر نشان) تکیه زده و روبه‌روی هم نشسته‌اند. ۱۴ و ۱۵ و ۱۶

۱۳

۷ تا ۱۴. و هنگامی که شما سه گروه می‌شوید: محتوای اصلی سوره‌ی واقعه، در باره‌ی قیامت است؛ حوادث پیش از آن، وضعیّت انسان‌ها در آن، تقسیم شدن آن‌ها به سه گروه متفاوت، و بیان فرجام هر یک از این سه گروه. بر اساس آیات مورد بحث، تمام انسان‌ها از ابتدای دنیا تا پایان آن - که شاید ده‌ها میلیارد نفر شوند - در آخرت به سه گروه کلی تقسیم می‌شوند: نخستین گروه، «اصحاب‌المیمنه» هستند؛ افراد خوشبخت و سعادتمندی که نامه‌ی عملشان به دست راستشان داده می‌شود. بر اساس آیات ۳۹ و ۴۰ همین سوره، گروه پرشماری از امت‌های گذشته و گروه پرشماری از امت اسلامی، جزء «اصحاب‌المیمنه» هستند. به گفته‌ی برخی از مفسران، اصحاب یمین، افراد باایمانی هستند که ایمانشان را تا پایان عمر حفظ می‌کنند، و اگر گاهی مرتکب برخی اشتباهات شده باشند، در قیامت، مشمول عفو الهی قرار خواهند گرفت. گروه دّوم، «اصحاب‌المشئمه» هستند؛ افراد نگون‌بخت و بیچاره‌ای که نامه‌ی عملشان به دست چپشان داده می‌شود و برای گناهان فراوان و زندگی کفرآمیزشان، به کیفر ابدی در آتش دوزخ محکوم می‌شوند. آیات این سوره درباره‌ی شمار این افراد سخنی به میان نیاورده است؛ ولی از آیات دیگر قرآن فهمیده می‌شود که بسیاری از انسان‌ها و جنیان، از این گروه هستند. گروه سوّم، «الْأَسْقُونَ السُّقُونَ» هستند؛ افراد ممتازی که در دنیا برای انجام کارهای خیر از دیگران سبقت می‌گیرند، و در آخرت، برای رسیدن به بهشت و آمرزش الهی، از همگان پیشی خواهند گرفت و از همگان به لطف و رحمت خدا نزدیک‌تر خواهند بود.

به فرموده‌ی آیات ۱۳ و ۱۴، شمار فراوانی از این گروه، از امت‌های گذشته بوده‌اند، و تنها اندکی از آنان، از امت اسلامی هستند. برای ما به‌درستی روشن نیست که از میان مؤمنان امت‌های گذشته و این امت، چه کسانی جزء این گروه هستند؛ اما همین که ۱۳،۹۹۹ نفر از پیامبران معصوم، از امت‌های گذشته بوده‌اند و تنها ۱۴ نفر از معصومین از این امت هستند، می‌تواند در فهم معنای آیات ۱۳ و ۱۴ این سوره به ما کمک کند. به هر حال، این گروه، بهترین انسان‌های تاریخ هستند. در روایات فراوانی می‌خوانیم که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام و پیروان آن حضرت، جزء این گروه هستند. البته پیروی از امام علی علیه‌السلام نشانه‌های فراوانی دارد و هر کس می‌تواند به آسانی خود را پیرو حقیقی آن حضرت بشمرد. در حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است: «آیا می‌دانید چه کسانی در روز قیامت به سایه‌ی لطف و آمرزش خدا می‌شتابند؟... کسانی که وقتی حق به آن‌ها عرضه شود، آن را می‌پذیرند، و هنگامی که حق را از آن‌ها بخواهند، با کمال میل آن را در اختیار دیگران می‌گذارند، و در باره‌ی مردم همان‌طور قضاوت می‌کنند که در باره‌ی خودشان قضاوت می‌کنند.»

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ يَا كُوبُ وَابَارِيقُ ﴿١٨﴾ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ

غلامانی که همیشه جوان‌اند، ننگ‌ها و جام‌ها و پیاله‌هایی لبریز از شراب جاری (در بهشت) را دور آنان می‌چرخانند؛ ۱۷ و ۱۸ (شرابی که نه

﴿١٨﴾ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ﴿١٩﴾ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ

از آن سردرد می‌گیرند و نه مست می‌شوند؛ ۱۹ و میوه‌های دلخواهشان را (به آنان تعارف می‌کنند)؛ ۲۰ و (نیز) گوشت هر پرنده‌ای که میل

﴿٢٠﴾ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَحَوْرٍ عِينٍ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ

داشته باشند؛ ۲۱ و (در کنرشان) حوریانی سفیدرو و درشت چشم (حلقه‌اند)؛ ۲۲ که همچون مرواریدی که (در صدف) نگهداری شده،

﴿٢٣﴾ الْمَكْنُونِ ﴿٢٤﴾ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا

(درخشان و زیبا) هستند؛ ۲۳ (با مقربان چنین می‌کنیم) تا پاداشی باشد در مقابل گزاهایی که می‌کردند؛ ۲۴ در آنجا، هیچ سخن

﴿٢٥﴾ وَلَا تَأْتِيهِمْ فِيهَا سَمَةٌ وَلَا يَصْخَبُ فِيهَا ﴿٢٦﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾ مَا أَصْحَابُ

زشت و گناه‌آلودی نمی‌شوند؛ ۲۵ بلکه سخنانی می‌شنوند که از هر زشتی و بدی‌ای پاک‌تر است؛ ۲۶ و سعادتمندان؛ چه هستند این

﴿٢٧﴾ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾ فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ ﴿٢٩﴾ وَطَلْحٍ مَنضُودٍ ﴿٣٠﴾ وَظِلِّ مَمْدُودٍ

سعادتمندان؟! ۲۷ در میان درختان سدر بدون تیغ به سر می‌برند؛ ۲۸ و درختان مور (پرمیوه که میوه‌هایش روی هم چیده شده) است؛

﴿٣٠﴾ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾ لَا مَقْطُوعَةٍ

۲۹ و (در) سایه‌سار گسترده و همیشه‌گی (درختان بهشتی)؛ ۳۰ و در (کنار) آبی که همیشه جاری است؛ ۳۱ و میوه‌هایی فراوان؛ ۳۲ که نه

﴿٣٣﴾ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ ﴿٣٥﴾ إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنشَاءً ﴿٣٦﴾

تمامی می‌پذیرد و نه (از اهل بهشت) دریغ می‌شود؛ ۳۳ و (در کنار) همسرانی ارزشمند و الوامقام؛ ۳۴ ما آنان را به صورتی ویژه پدید آوردیم؛ ۳۵

﴿٣٦﴾ فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا ﴿٣٧﴾ عُرُبًا أَتْرَابًا ﴿٣٨﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾

بدین‌صورت که همیشه آنان را باکره قرار دادیم؛ ۳۶ زنانی هم‌سن و سال که (با ناز و کرشمه) خود را در دل شوهران‌شان جا می‌کنند و به

﴿٣٩﴾ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٤٠﴾ وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ ﴿٤١﴾ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ

آنان عشق می‌ورزند؛ ۳۷ (آنان را) برای سعادتمندان (آفریدیم)؛ ۳۸ (که) جماعت انبوهی، از گذشتگان (اند)؛ ۳۹ و شمار بسیاری، از آخرین

﴿٤١﴾ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤٢﴾ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَظِلِّ مِنْ يَحْمُومٍ

(امت)؛ ۴۰ (اما) سیه‌روزان؛ چه هستند این سیه‌روزان؟! ۴۱ در بادی (بسیار) سوزان و آبی (بسیار) داغ و جوشان به سر می‌برند؛ ۴۲

﴿٤٣﴾ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُوا

و در (زیر) سایه‌ای که از دود سیاه است؛ ۴۳ (سایه‌ای) که نه خنک است و نه فایده‌ای دارد؛ ۴۴ از این که آنان، پیش از این، افرادی بودند

﴿٤٦﴾ يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٧﴾ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَيُّدَا مِتْنَا وَكُنَّا

که نعمت‌های دنیا آنان را به طغیان و سرمستی واداشته بود؛ ۴۵ و بر آن گناه بزرگ پافشاری می‌کردند؛ ۴۶ و می‌گفتند: «آیا هنگامی

﴿٤٧﴾ تُرَابًا وَعِظَامًا أَيْتَا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٨﴾ أَوْ عَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ إِنَّ

که بپريم و خاک و استخوان‌هایی شويم، آیا به راستی (دوباره) زنده می‌شويم؟! ۴۷ آیا اجدادمان (نیز زنده می‌شوند)؟! ۴۸ بگو: «قطعاً

﴿٤٩﴾ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٥٠﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿٥١﴾

تأ (فرا رسیدن) زمان روزی معین جمع خواهند شد. ۵۰ و ۵۱ گذشتگان و آیندگان، (در عالم برزخ)

۲۵ و ۲۶. گستره‌ای خالی از هر سخن نادرست: جهان آخرت، جهانی بسیار وسیع‌تر از دنیا است و ما نمی‌توانیم تصوّر دقیقی از آن داشته باشیم. شاید بتوان نسبت دنیا به آخرت را به نسبت عالم جنینی به دنیا تشبیه کرد. قرآن در مورد نعمت‌های بهشت فرموده است: «هیچ‌کس نمی‌داند چه پادشاهایی که چشم را روشن می‌کند، در انتظار اوست.» یا در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌خوانیم: «تمام چیزهای دنیا، شنیدنش بزرگ‌تر از دیدنش است، و تمام چیزهای آخرت، دیدنش بزرگ‌تر از شنیدنش است.» از این رو، قرآن، توصیفی در حدّ فهم و درک ما از بهشت ارایه کرده، و در آیات ۱۲ تا ۳۷ این سوره نیز وضعیّت مقربان را در بهشت وصف کرده است. در میان نعمت‌های فراوانی که این آیات برای مقربان برمی‌شمرد، یک نعمت معنوی بزرگ قرار دارد که با وجود آن، طعم نعمت‌های دیگر در کام اهل بهشت شیرین می‌شود. به فرموده‌ی آیات ۲۵ و ۲۶، بهشتیان هیچ‌گونه سخن زشت و بیهوده‌ای نمی‌شنوند و هیچ‌گاه کسی به آنان تهمت نمی‌زند. آری، آنان در جایی به سر می‌برند که نه دروغ و تهمت وجود دارد و نه مسخره کردن و غیبت؛ نه سخنان نیش‌دار هست و نه حرف‌های گوش‌خراش. در آن مکان روحانی، کلمات زشت و دور از ادب، جایی ندارد و حتّی سخنان بیهوده و بی‌فایده به گوش کسی نمی‌رسد. اگر درست فکر کنیم، بیشترین ناراحتی ما در زندگی دنیا، از همین سخنان زشت و بیهوده و گناه‌آلود، همچنین از تهمت‌ها و غیبت‌ها و زخم زبان‌هاست. در بهشت اما خبری از این سخنان نیست و فقط سخنانی سرشار از خوبی و سلامت و مهرورزی در میان بهشتیان رد و بدل می‌شود ﴿الْأَقْبِلَا سَامًا سَامًا﴾؛ سخنانی مانند سلام و درود خدا بر بهشتیان، سلام و درود فرشتگان بر آنان، و سلام و درود آن‌ها به یکدیگر.

به‌راستی اگر تمامی پیروان قرآن، زبان خود را از سخنان زشت و بیهوده و تهمت و زخم زبان حفظ کنند، محیط خانواده‌ها و مدارس و دانشگاه‌ها، و محیط‌های کاری، چقدر گرم‌تر و بانشاط‌تر می‌شود! در روایتی می‌خوانیم که مرد بیابان‌نشین به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای پیامبر خدا، مرا به کاری راه‌نمایی کن که با انجام آن، وارد بهشت شوم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به افراد گرسنه، غذا، و به افراد تشنه آب بده؛ امر به معروف و نهی از منکر کن، و اگر نمی‌توانی تمام این کارها را انجام دهی، [دست کم] زبانت را از هر سخنی به جز سخنان نیکو حفظ کن؛ زیرا بدین وسیله می‌توانی بر شیطان پیروز شوی.» ما نیز با عمل به این دستور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌توانیم خود را در جهان آخرت به بهشت برسانیم، و در دنیا نیز بهشت کوچکی را در خانه و محیط زندگی خود بنیان نهیم.

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ ﴿٥١﴾ لَا كَلِمَٰتٍ مِّنْ شَجَرٍ مِّنْ

آنگاه شما ای گمراهان انکارکننده، ۵۱ حتماً از درختان زقوم خواهید

زَقْوِمٍ ﴿٥٢﴾ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ

خورد. ۵۲ در نتیجه، شکم‌ها(بتان) از آن پر خواهد شد؛ ۵۳ پس (بلافاصله) روی آن از آب جوشان (دوزخ) می‌نوشید؛

﴿٥٤﴾ فَشَرِبُونَ شُرَبَ الْهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَذَا نُزْلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحْنُ

۵۴ بدین‌صورت که همچون شرابی که هرگز سیراب نمی‌شوند، خواهید نوشید. ۵۵ (ری)، اسباب پذیرایی آنان در روز جزا این است! ۵۶ ما

خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ ءَأَنْتُمْ

شما را آفریده‌ایم؛ پس چرا تصدیق نمی‌کنید؟ ۵۷ به من خبر دهید از آنچه در رحم‌ها می‌ریزید؛ ۵۸ آیا شما

تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ

آن را (به صورت انسان) می‌آفرینید؛ یا ما آفریدگاریم؟ ۵۹ ما (به مصلحت خویش)، مرگ را در میان شما مقرر کردیم، و کسی

وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِيمَا

ما را عاجز نکرده است؛ ۶۰ از این‌که امثال شما را جایگزین‌تان کنیم و شما را در حالتی (دیگر) که (از آن)

لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾

آگاه نیستید، پدید آوریم. ۶۱ به راستی شما نخستین آفرینش را (دیدید و) شناختید؛ پس چرا عبرت نمی‌گیرید؟ ۶۲

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ﴿٦٣﴾ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ

به من خبر دهید از آنچه می‌کارید؛ ۶۳ آیا شما آن را می‌رویانید؛ یا ما می‌رویانیم؟ ۶۴ اگر می‌خواستیم،

نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلَّمْتُمْ نَفْسَكُمْ هَوًىٰ ﴿٦٥﴾ إِنَّا الْمَغْرَمُونَ ﴿٦٦﴾

حتماً آن را خار و خاشاک می‌کردیم. در نتیجه، شما غمگین می‌شدید؛ ۶۵ (و می‌گفتید): «به راستی ما ضرر کرده‌ایم؛ ۶۶

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ ءَأَنْتُمْ

بلکه (به کلی از رزق و روزی) محروم شده‌ایم. ۶۷ به من خبر دهید آبی را که می‌نوشید؛ ۶۸ آیا شما

أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا

آن را از ابر فرو فرستاده‌اید؛ یا ما فرو می‌فرستیم؟ ۶۹ اگر می‌خواستیم، آن را شور و تلخ می‌کردیم.

فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾ ءَأَنْتُمْ

پس چرا شکر نمی‌کنید؟ ۷۰ به من خبر دهید آتشی را که (با اصطکاک دو چوب مخصوص) می‌افروزید؛ ۷۱ آیا شما

أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا

درخت آن را پدید آورده‌اید؛ یا ما پدید آورده‌ایم؟ ۷۲ ما آن را (وسیله‌ای) یادآوری (آتش دوزخ) و بیره‌مندی

وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

مسافران صحرا قرار دادیم. ۷۳ پس نام مالک و صاحب‌اختیار بزرگت را (از آنچه شایسته‌ی او نیست)، پاک و منزه شمار. ۷۴

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

سوگند به جایگاه ستارگان؛ ۷۵ - اگر بدانید، این (سوگند)، سوگندی بزرگ است - ۷۶

۵۸ تا ۷۳. چهار نشانه از قدرت خدا: محتوای اصلی این سوره، معاد و زندگی انسان‌ها در آخرت است؛ حقیقتی که کافران، آن را محال می‌شمزند، و به فرموده‌ی آیات ۴۷ و ۴۸ همین سوره، پیوسته با تعجب می‌گویند: «آیا هنگامی که بمیریم و خاک و استخوان‌هایی پوسیده شویم، دوباره زنده می‌شویم؟ آیا اجدادمان هم زنده می‌شوند؟!» آن‌ها باور نمی‌کردند کسی قدرت زنده کردن مردگان بی‌جان را داشته باشد. از این رو قرآن بارها یادآوری می‌کند که زنده‌کننده‌ی مردگان در قیامت، همان کسی است که آنان و همه‌ی مخلوقات جهان را آفریده است. این آیات به چهار نمونه از خلقت و تدبیر الهی در آفرینش که همه‌ی ما بارها آن‌ها را دیده‌ایم، اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که چنین خدایی، توانایی زنده کردن مردگان را دارد. این امور این‌هاست: ۱- خلقت انسان (آیات ۵۸ تا ۶۱): طبق آمار، در هر ثانیه، ۳ نوزاد متولد می‌شود؛ انسان‌هایی کوچک با قدرت دیدن، شنیدن، بویایی، درک کردن و...؛ اما باور این واقعیت سخت است که این موجودات کامل، حدود نه ماه قبل، تنها یک تک‌سلول بوده‌اند که به سرعت تکثیر شده و به سلول‌های گوناگون بدن تبدیل شده است.

خدایی که یک تک‌سلول را به نوزاد تبدیل می‌کند، مرگ را نیز برای او رقم زده، و مقرز کرده که در زمانی معین، دوباره زنده شود. ۲- به بار نشستن محصولات کشاورزی (آیات ۶۳ تا ۶۷): بدون شک بخش عمده‌ای از مواد خوراکی ما، از محصولات کشاورزی به دست می‌آید. گندم، برنج، لوبیا، نخود و... محصولات هستند که هر سال بر روی زمین خاکی کاشته و برداشت می‌شوند و به چرخه‌ی زندگی بشر رونق می‌بخشند. ولی به راستی نقش ما در تبدیل شدن دانه‌ی گندم به خوشه‌ی گندم چیست و چقدر است؟ این کیست که از دانه‌ی سخت، جوانه می‌رویاند، و آن جوانه‌ی نرم را از دل خاک بیرون می‌آورد، و در قالب یک خوشه، ده‌ها دانه‌ی دیگر به ما تقدیم می‌کند؟ آیا ما جز پاشیدن بذر و آب دادن به آن، کار دیگری می‌کنیم؟ آیا ما در گندم شدن دانه‌ی گندم و برنج شدن دانه‌ی برنج نقشی داریم؟ این پدیده‌ی عجیب که به سبب تکرار برای ما عادی شده، یکی از نشانه‌های قدرت خداست. آری، همان خدایی که از دانه‌ی سخت و خشک، گیاه سبز و زنده را پدید می‌آورد، مردگان را در قیامت زنده خواهد کرد. ۳- باران (آیات ۶۸ تا ۷۰): مایع حیات‌بخشی که زندگی ما و تمام جانداران زمین به آن وابسته است. آیا تا به حال به این اندیشیده‌ایم که این آب گوارا که به راحت در اختیار ما قرار دارد، سفری بسیار طولانی داشته و از هزاران کیلومتر دورتر به وسیله‌ی مأموران عظیم‌الجثه‌ای به نام «ابرها» به ما رسیده است؟ آیا به این اندیشیده‌ایم که چطور آب شور دریا چنین خالص و شیرین در اختیار ما قرار گرفته است؟ به راستی اگر خدا می‌خواست، آن را شور قرار می‌داد و دیگر خبری از آب شیرین نبود؟! آری، چنین خدایی که بخار آب را از اقیانوس‌ها برمی‌انگیزد و به هزاران کیلومتر دورتر منتقل می‌کند و شیرین و گوارا به ما می‌بخشد، توانایی برانگیختن مردگان را از گورهایشان دارد. ۴- آتش (آیات ۷۱ تا ۷۳): پدیده‌ی خارق‌العاده‌ی جهان طبیعت و نعمت بزرگی که فقط ما انسان‌ها از آن بهره می‌بریم و برای هزاران مصرف‌حیاتی، آن را به کار می‌گیریم. آیا در روند این پدیده اندیشیده‌ایم: این‌که چگونه از چوبی سبز و تر، زبانه‌های آتش سر بر می‌آورد و به ما نور و گرما می‌بخشد؟ آری، خدایی که می‌تواند کاری کند که از چوب تر، آتش سر بر آورد، می‌تواند کاری کند که مردگان بی‌جان، از دل خاک سر بر آورند.

إِنَّهٗ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهٗ إِلَّا

که این (کتاب)، سخنانی است که بر پیامبر خوانده شده و عالی و ارزشمند است. ۷۷ (و اصل آن) در کتابی است که (از غیر مقربان) پوشیده و حفظ

المُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ

می شود؟ ۷۸ (و فقط کسانی که توسط خداوند پاک شده اند، با آن تماس برقرار می کنند. ۷۹ (قرآن، کتابی است که) از سوی مالک و صاحب اختیار

أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ﴿٨١﴾ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ ﴿٨٢﴾

جهالیان نازل شده است. ۸۰ (با وجود این، آیا شما به این سخن مهم) بی اعتنایی می کنید؟ ۸۱ (پرهتان (از قرآن) را انکار کردن (آن) قرار

فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ ﴿٨٣﴾ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَنَحْنُ

داده اید. ۸۲ (پس چرا هنگامی که جان محتضر) به گلو می رسد؛ ۸۳ (و در آن هنگام، شما (فقط) نگاه می کنید؛ ۸۴ - و این در حالی است که ما

أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿٨٥﴾ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ

از شما به او نزدیک تریم؛ ولی شما نمی بینید. ۸۵ (پس اگر وجود شما (از سوی قدرتی برتر) اداره نمی شود و در سطره ای (او) نیستید،

﴿٨٦﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

۸۶ (اگر راست می گویند، چرا روح را (به بدن او) باز نمی گردانید؟ ۸۷ (اما اگر (آن محتضر، از مقربان (درگاه الهی) باشد؛

﴿٨٨﴾ فَرُوحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٌ ﴿٨٩﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ

۸۸ (در بزرگی، آسایش و سرور و رزق و روزی (نیکی)، و (در آخرت، بهشت پر نعمت خواهد داشت. ۸۹ (اما اگر از سعادتمندان باشد؛ ۹۰ (به او گفته

الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾ فَسَلِّمْ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ

می شود؛ «از جانب سعادتمندان (دیگر)، امنیت و آسایش خواهی داشت (و از ایشان، اذیت و آزار نخواهی دید.» ۹۱ (اما اگر از انکارگران گمراه

المُكْذِبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنُزِّلُ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾ وَتَصْلِيَةٌ جَاحِمٍ

باشد؛ ۹۲ (در بزرگی، با آبی جوشان پندیرایی خواهد شد؛ ۹۳ (و در آخرت،) در دوزخ افکنده می شود و در آن خواهد سوخت. ۹۴ (براستی که این

﴿٩٤﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

(سر نوشت های متفاوت) کاملاً حق و قطعی است. ۹۵ (پس نام مالک و صاحب اختیار بزرگت را (از آنچه شایسته ای او نیست)، پاک و منزّه شمار. ۹۶

آیاتها

سُورَةُ الْحَادِثِ

۲۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ ﴿١﴾ لَهُ مُلْكُ

آنچه در آسمان ها و زمین است، خدا را (از هر عیب و نقصی) پاک و منزّه می شمارد. اوست که شکست ناپذیر و حکیم است. ۱ فرمانروایی آسمان ها

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ یُحِیْءُ وَیُمِیْتُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ ﴿٢﴾

و زمین، تنها برای اوست. (خدا) زنده می کند و می میراند، و او بر هر کاری تواناست. ۲ اوست که (بیش از وجود هر چیزی،) اول (بوده است)، و (در)

هُوَ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ ﴿٣﴾

پایان (هستی، همچنان باقی است)، و چیره و مسلط (به همه چیز) و آگاه از درون همه ی اشیاء است، و او از همه چیز به خوبی آگاه است. ۳

۷۹. قرآن و پاکی ظاهر و باطن: به فرموده‌ی این آیه، فقط افراد پاکیزه می‌توانند با قرآن تماس پیدا کنند. البته پاکیزگی و تماس با قرآن، دو نوع است؛ جسمی و روحی. در صورتی که پاکیزگی مادی را در نظر بگیریم، معنای آیه این است که فقط کسانی می‌توانند به خط قرآن دست بزنند که وضو داشته باشند، و لمس کردن بدون وضوی خط قرآن، حرام است. اگر اما پاکیزگی روحی را مورد توجه قرار دهیم، معنای آیه این است که درک عمیق آیات قرآن و اثرپذیری از آن، تنها برای کسانی ممکن است که از گناهان و زشتی‌های روحی پاک باشند و دل و جانی نورانی و پاکیزه داشته باشند. به این نکته، در آیات دیگری از قرآن نیز اشاره شده است: در آیه‌ی ۲ سوره‌ی بقره می‌خوانیم که قرآن، مایه‌ی هدایت افراد پرهیزکار است؛ و نیز آیه‌ی ۸۲ سوره اسراء می‌فرماید که قرآن، روح و جان افراد باایمان را شفا می‌بخشد و برایشان رحمت است؛ ولی افراد ستمگر، بهره‌ای جز تباهی و زیان از قرآن ندارند. آری، قرآن در اختیار همه‌ی مردم قرار دارد؛ ولی کسانی می‌توانند از آن بهره‌برند که بدون لجاجت و برای یافتن حقیقت، سراغ آن می‌آیند؛ بی‌شک چنین افرادی به وسیله‌ی نور قرآن، راه سعادت را پیدا می‌کنند و به سرمنزل مقصود می‌رسند.

در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره‌ی مائده می‌خوانیم: «به‌راستی از سوی خدا نور و کتابی روشنگر نزدتان آمده است که خداوند افرادی را که از خشنودی خدا پیروی کنند، به وسیله‌ی آن، به راه‌های سلامت و امنیت هدایت می‌کند و آنان را به فرمان خود از تاریکی خارج کرده، به نور می‌رساند و به راه راست هدایت می‌فرماید.» البته هر قدر که پاکی جان انسان بیشتر باشد، بهره‌ی او از قرآن بیشتر است. از این رو کسانی از قرآن بهره‌ی کامل می‌برند که کاملاً پاک و معصوم باشند؛ افرادی که به فرموده‌ی آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی احزاب، از هر پلیدی و بدی‌ای به کلی پاک شده‌اند. در آن آیه می‌خوانیم که خدا به اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌فرماید: «خداوند می‌خواهد که فقط از شما اهل‌بیت هر نوع بدی را بزدايد و شما را کامل پاک کند.» آنان، چهارده نور پاک هستند که با قرآن کاملاً آشنا هستند و هیچ نکته‌ای نزدشان پوشیده و مبهم نیست. از این رو برای بهره‌بردن کامل از قرآن باید علاوه بر دقت در آیات آن، به امامان معصوم علیهم‌السلام و سخنان گهربارشان مراجعه کنیم و از درک صحیح آنان از قرآن بهره‌بریم. پیامبر گرامی‌مان نیز در حدیث معروف ثقلین، به چنگ زدن به هر دو گوهر قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام توصیه کرده و تأکید فرموده که این دو منبع نورانی، هیچ‌گاه از یکدیگر جدا نخواهند شد.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى

او کسی است که آسمانها و زمین را در شش دوره آفرید. آنگاه بر تخت فرمانروایی (جهان)

عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْاَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنْ

مستقر شد (و شروع به حکم رانی کرد). از آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن خارج می‌شود و آنچه از آسمان

السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ اَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

نازل می‌شود و آنچه در آن بالا می‌رود، باخبر است. هر جا که باشید، او با شماست، و خدا به کارهایتان بینا است.

بَصِيْرٌ ﴿٤﴾ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَ اِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ

۴ فرمانروایی آسمانها و زمین، فقط برای اوست و (تصمیم‌گیری در بزرگی) کزها، فقط به خدا بزرگ‌دانه می‌شود. ۵ (با آمدن بهار، از ساعات شب

﴿٥﴾ يُوْلِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهْرِ وَيُوْلِجُ النَّهْرَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ

می‌کاهد و) شب را در روز داخل می‌کند، و (با آمدن پاییز، از ساعات روز می‌کاهد و) روز را در شب داخل می‌کند، و او (سراسر) درون سینه‌ها

الصُّدُوْرِ ﴿٦﴾ ءَاْمِنُوْا بِاللَّهِ وَرَسُوْلِهِ وَاَنْفِقُوْا مِمَّا جَعَلَكُمْ

را به‌خوبی می‌داند. ۶ به خدا و پیامبرش ایمان آورید و از اموالی که (به شما امانت داده و) شما را در (مالکیت) آن، جانشین خود

مُسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ فَاَلَّذِيْنَ ءَاْمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَنْفَقُوْا لَهُمْ اَجْرٌ كَبِيْرٌ ﴿٧﴾

کرده، (در راه خدا) خرج کنید؛ زیرا کسانی از شما که ایمان آوردند و (اموالشان را در راه او) خرج کنند، پاداشی بزرگ خواهند داشت. ۷

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللَّهِ وَالرَّسُوْلِ يَدْعُوْكُمْ لِتُؤْمِنُوْا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ

شما را چه شده است که به خدا ایمان نمی‌آورید؟ حال آن‌که پیامبر، شما را فرا می‌خواند تا به مالک و صاحب‌اختیاران ایمان آورید، و این در

اَخَذَ مِيْثَاقَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِيْ يُنَزِّلُ عَلٰى عَبْدِهٖ

حالی‌ست که (خدا) از شما پیمان گرفته است؛ اگر (هنوز آن پیمان را) قبول داشته باشید. ۸ او کسی‌ست که

ءَايٰتٍ يَّبِيْنٰتٍ لِّيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ وَاِنَّ اللّٰهَ بِكُمْ

آیاتی روشن را بر بنده‌اش نازل می‌کند تا شما را از تاریکی‌ها خارج کند و به نور برساند، و خداوند قطعاً با شما

لَرَّءُوْفٌ رَّحِيْمٌ ﴿٩﴾ وَمَا لَكُمْ اَلَّا تُنْفِقُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَ لِلّٰهِ مِيْرٰثُ

رفتور و مهربان است. ۹ شما را چه شده که (اموالتان را) در راه خدا خرج نمی‌کنید؟ حال آن‌که (همه فنا خواهد شد، و میراث

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ اَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ

آسمانها و زمین، تنها برای خدا خواهد بود. کسانی از شما که پیش از فتح (مکه، اموالشان را در راه خدا) خرج کردند و جنگیدند، (با دیگران)

وَقَاتَلْ اَوْلِيَٰكَ اَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِيْنَ اَنْفَقُوْا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوْا

یکسان نیستند. مقام آنان، از کسانی که سپس (اموالشان را در راه خدا) خرج کردند و جنگیدند، بزرگ‌تر و والاتر است. (البته)

وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيْرٌ ﴿١٠﴾ مَنْ ذَا

خدا به همه‌ی آنان بهترین (پاداش) را (که بهشت است)، وعده داده است. خداوند از کارهایتان آگاه است. ۱۰ کیست آن که

الَّذِيْ يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهٗ وَ لَهٗ اَجْرٌ كَرِيْمٌ ﴿١١﴾

(با خرج مالش در راه خدا، به خداوند وامی نیکو دهد تا (خدا) آن (مال) را برایش چندین برابر کند، برای او پاداشی عالی باشد؟) ۱۱

۱۱. قرض پرسود: یکی از صفات خداوند، «صمد» است؛ یعنی وجودی بی‌نیاز که همگان به او نیازمندند. آری، همه‌ی موجودات، هر چه دارند، از آن خداوند است، و او بی‌نیاز مطلق است. چنین خداوندی اما در چند جای قرآن، انسان‌ها را تشویق کرده که به او قرض دهند، و به آنان وعده داده است که قرض آنان را چندین برابر و با سودی تضمینی و با نرخ بسیار زیاد به ایشان باز می‌گرداند. این قرض پرسود، انفاق و صدقه است.

بر اساس آیات قرآن، خدای بی‌نیاز، اعطای صدقه به نیازمندان را نوعی قرض به خود برشمرده و تضمین کرده که این قرض را چندبرابر کند و به قرض‌دهنده پس دهد. به فرموده‌ی آیه‌ی ۲۶۱ سوره‌ی بقره، خداوند هر انفاقی را هفتصد برابر می‌کند. آیا حساب سپرده‌ای با ۷۰۰ درصد سود تضمینی سراغ دارید؟ این سود چشم‌گیر، در زمانی که ما بیشترین نیاز را به آن داریم، به ما خواهد رسید؛ هنگامی که امکان هیچ خرید و فروشی وجود ندارد، و تنها اعمال خوبی که از دنیا آورده باشیم، به ما سود می‌رساند. در آیه‌ی ۲۵۴ سوره‌ی بقره می‌خوانیم: «ای مؤمنان، از آنچه روزی‌تان کرده‌ایم، انفاق کنید؛ پیش از آن‌که روزی فرا رسد که هیچ خرید و فروش و رفاقت و میانجی‌گری در آن وجود ندارد.» البته غیر از این، صدقات انسان در دنیا نیز سودآور است. طبق روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام، انفاق و صدقه، باعث زیاد شدن روزی و دفع بلا می‌شود. البته نباید نیت انسان در صدقه دادن، زیاد شدن روزی و دفع بلا باشد؛ بلکه ما باید فقط برای خشنودی خدا صدقه بدهیم و بدانیم که این کار خوب، آثار مثبتی در زندگی دنیا و آخرت ما خواهد گذاشت. «تو بندگی چو گدایان به شرط مزد مکن / که خواجه خود روش بنده‌پروری داند».

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ

در آن روز که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان در مقابل و سمت راست شان بسرعت حرکت می کند (و به آنان گفته می شود): «امروز

بُشْرَانِكُمْ الْيَوْمَ جَنَّتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ

مژده باد بر شما به باغ هایی (از بهشت) که از (درختان) آن ها، نرها جاری ست (و همیشه در آن خواهید ماند، این همان نجات و پیروزی بزرگ

هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ

است. ۱۲ در آن روز که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: «(صبر کنید و) منتظر ما شوید تا از نورتان پر توی برگیریم.» (در پاسخ به آنان)

ءَامَنُوا انظُرْنَا نَقْتَسِبْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا

گفته می شود: «(اگر می توانید) به عقب برگردید و بدین وسیله، (از دنیا) نوری طلب کنید؛ (که سرای کسب نور، آنجا بود؛ نه اینجا).» پس بین آنان،

نورًا فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ

دیواری زده می شود که دری دزد که در طرف داخلی آن (دیوار)، رحمت است، و در مقابل طرف بیرونی اش، عذاب. ۱۳ منافقان، آنان را صدا

قَبْلَهُ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ

می زنند (و می گویند): «(مگر نه این که) ما در دنیا) همراه شما بودیم؟» (مؤمنان) می گویند: «چرا ولی شما خودتان را گرفتار مصیبت و عذاب

فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ

گردید و منتظر (تابودی دین) بودید و (در آن) شک داشتید، و آرزوها شما را فریب داد، تا این که فرمان خدا (در مورد مرگ شما) فرارسید و

جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ

(فیضان) بسیار فریب کار، شما را نسبت به (آمزش) خدا فریب داد و در برابر او گستاخ کرد. ۱۴ بنابراین، امروز، نه از شما و نه از کافران،

فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوِيَكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبئس

هیچ چیزی که شما را (از عذاب) برهاند، گرفته نخواهد شد. جایگاهتان آتش است. سرپرست و یاور شما، همان است، و چه فرجام

الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ

بدی ست. ۱۵ آیا برای مسلمانان وقت آن نرسیده که دل هایشان در برابر یاد خدا و آنچه از حق

وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ

نازل شده، خاشع شود و همچون کسانی نباشند که پیش از این، کتاب (آسمانی) به آنان داده شد؟

فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

آنگاه زمانی طولانی بر آنان سپری شد، و نتیجه این شد که دل هایشان سنگ شد. (آری) بسیاری از آنان، نافرمان اند.

﴿١٦﴾ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ

۱۶ بدانید که خدا، زمین را پس از مرگش زنده می کند. بجزاستی آیات و نشانه ها را برایتان توضیح

الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ

دادیم تا عقل خود را به کار گیرید. ۱۷ مردان و زنانی که صدقه می دهند

وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

و به خداوند وامی نیکو می دهند، (آنچه می پردازند) برایشان چند برابر می شود و پاداشی عالی خواهند داشت. ۱۸

تج

۱۲ تا ۱۴. دیوار عجیب: این آیات، تصویر عجیبی از قیامت در پیش چشم ما نمایش می‌دهد. به فرموده‌ی این آیات، در روز قیامت، مردان و زنان باایمان با سرعت به سوی بهشت حرکت می‌کنند، و برای پیدا کردن راه خود، نورافکن پرنوری در اختیار دارند؛ نورافکنی که از دنیا با خود آورده‌اند. آری، نور این چراغ روشن، همان نور ایمان و کارهای شایسته‌ی آنان در دنیا است که در جهان آخرت بدین صورت مجسم شده است. حقیقت این است که جهان آخرت، مانند دنیا نیست که نعمت‌های گوناگون، در میان مردم مؤمن و کافر یکسان تقسیم شود؛ بلکه در آنجا، استفاده از نعمت‌ها، مشروط به داشتن لیاقت است، و مقدار استفاده از آن‌ها نیز به مقدار ایمان و عمل صالح افراد بستگی دارد. از این رو در روایات می‌خوانیم که ظلم و ستم، مایه‌ی ظلمت و تاریکی در قیامت است، و اعمال شایسته مانند نماز، نور و روشنایی ارمغان می‌آورد.

به هر حال، در آن روز، افراد باایمان، با کمک نور ایمان خود، راه سعادت را طی می‌کنند و به باغ‌های پر نعمت و جاودان بهشت بشارت داده می‌شوند؛ ولی منافقان بی‌ایمان که هیچ اعتقادی در باطن به اسلام نداشتند و تنها برای حفظ منافعشان اظهار اسلام می‌کردند، خود را در تاریکی و ظلمت شدیدی می‌بینند. در این حال، مؤمنانی را که در دنیا در کنارشان زندگی می‌کردند، می‌بینند که به سوی بهشت می‌شتابند. پس آنان را صدا می‌زنند و می‌گویند: کمی صبر کنید تا ما نیز به شما برسیم و در پرتو نور شما، راه خود را پیدا کنیم. در این هنگام، به آنان ندا می‌رسد که چنین امکانی وجود ندارد و منشأ این نور، اعمال صالح انسان‌ها در دنیا است، و اگر کسی نوری دارد، از آن سرا به اینجا آورده است؛ اگر می‌توانید، به آنجا روید و با خودتان نور بیاورید! در این هنگام، دیواری بین مؤمنان و منافقان کشیده می‌شود و آنان را از هم جدا می‌کند؛ دیواری عجیب که داخلش نعمت و رحمت الهی، و بیرونش خشم و عذاب خداست؛ چراکه داخلش، رو به بهشت است، و بیرونش، رو به دوزخ. در این هنگام، منافقان ناله سر می‌دهند و به مؤمنان می‌گویند: مگر ما در دنیا در کنارتان نبودیم؟ مگر در یک شهر و کشور زندگی نمی‌کردیم؟ چرا اکنون در کنار هم نباشیم؟ آنان در پاسخ می‌گویند: چرا! در ظاهر بودید؛ ولی از نظر فکر و عقیده با ما فاصله داشتید. شما خود را با کفر و نفاق هلاک کردید ﴿وَلِكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ و منتظر مرگ پیامبر ﷺ و نابودی اسلام بودید ﴿وَرَبَّصُمُ﴾ و همیشه در مورد قیامت و حقانیت اسلام شک داشتید ﴿وَأَرْتَبْتُمْ﴾ و آرزوهای دور و دراز، شما را فریب داد، تا این‌که فرمان خدا در مورد مرگتان فرا رسید ﴿وَعَزَّتْكُمْ الْأَمَانِي حَقًّا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ﴾ و شیطان فریب‌کار، شما را فریب داد و دنیای زودگذر را در نظرتان ماندگار جلوه داد و شما را به بخشش خدا مغرور کرد ﴿وَعَزَّكُمْ بِاللَّهِ الْعَرُورُ﴾. آری، این عوامل پنجگانه، راه ما و شما را از یکدیگر جدا کرد و شما را از رسیدن به مقصد بازداشت.

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ

و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آوردند، نزد پروردگارشان (به منزله‌ی) صدیقان

وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

و گواهان (اعمال) هستند (و به آنان ملحق می‌شوند) پاداش و نور آن‌ها را دارند، و کسانی که کفر ورزیدند

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾

و آیات ما را دروغ شمرند، اهل دوزخ‌اند، بدانید

الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُمْ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرُهُمْ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرُهُمْ

که زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی و زیور و فخر فروشی به یکدیگر و تلاش برای داشتن اموال و فرزندان

فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ

بیشتر است؛ همچون برانی که کشاورزان را از گیاهانی که (به سبب آن) می‌رویند، خوشحال می‌کند، سپس (آن گیاهان) خشک

يَهْبِجُ فَتَرْبُهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ

می‌شوند، و می‌بینی که زرد شده‌اند، و پس از آن خاشاک می‌شوند؛ ولی برخلاف دنیا که ناپایدار است، در آخرت، عذاب‌

شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ

شدید و آمرزش و خشنودی از سوی خدا وجود دارد. (آری،) زندگی دنیا فقط وسیله‌

الْغُرُورِ ﴿٢٠﴾ سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا

فرب دادن است. ۲۰ از یکدیگر سبقت بگیرید (در رسیدن) به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که وسعت‌اش

كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ

همچون وسعت آسمان‌ها و زمین است (و برای کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، آماده شده است.

ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

این لطف و عنایت خداست که به هر کس که بخواهد، عطا می‌کند، و خدا لطف و عنایت بزرگ دارد.

﴿٢١﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ

هیچ مصیبتی نه در زمین (مانند سیل و زلزله و...) و نه در وجود خودتان (مثل مریضی و مرگ و...) به شما نمی‌رسد،

إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

مگر پیش از این که آن را پدید آوریم، در کتابی (ثبت شده) است. این برای خدا آسان است.

﴿٢٢﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

۲۲ (این نکته را بیان کردیم) تا شما بر آنچه از دست‌تان می‌رود، غم مخورید، و (نیز) به سبب آنچه (خدا) به شما داده است،

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ

سر مست نشوید. خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد؛ ۲۳ هم‌آنان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل

النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾

وامی‌درند. هر کس (به دستگیرهای الهی) پشت کند، تنها به خود ضرر زده؛ زیرا این خداست که بی‌نیاز و ستوده است. ۲۴

۲۲ و ۲۳. حقیقت زهد: برخی از مفاهیم پرمحتوای اسلامی که مورد تأکید پیشوایان ما بوده‌اند، در میان گروهی از مردم، ارزش خود را از دست داده و معنای ناشایستی به خود گرفته‌اند. یکی از این مفاهیم، «زهد» است. شاید برخی از مردم، از زهد، معنای ریا و خودنمایی را به یاد می‌آورند و انسان زاهد را کسی می‌شمارند که زندگی ساده‌ای دارد، لباس کهنه بر تن می‌کند و کفش‌های پاره می‌پوشد! از این رو می‌بینیم که در اشعار بعضی از شاعران، از زاهدان به نیکی یاد نشده است. در حالی که معنای زهد، «بی‌اعتنائی به تجملات دنیا» است. بنابراین ممکن است شخص ثروتمندی که به مال و ثروتش دل نبسته، زاهد باشد، و شخص فقیری که به مال اندکش به شدت دل بسته، زاهد نباشد. زهد، حالتی است که با وجود آن، مشکلات و سختی‌های دنیا در چشم انسان کوچک می‌شود و نعمت‌های مادی و تجملات زندگی، دیگر آن جذابیت فریبنده را ندارد؛ چراکه انسان می‌داند که سختی‌های زندگی مانند بیماری، مرگ و ...، همه و همه از قبل در کتاب علم الهی ثبت شده، و مقرّر شده است که در زمان و مکان مشخصی به او برسد؛ همچنین می‌داند که نعمت‌های مادی و ثروت‌هایی که در دست دارد، از سوی خدا برایش مقرّر شده و در کتاب علم الهی ثبت شده که در زمان و مکان معینی به او برسد. از این رو، نه از سختی‌های زندگی بیتاب، و نه از نعمت‌ها سرمست می‌شود، و در هر دو حالت، در برابر خواست خدا تسلیم است و به حکم و قضای او راضی است.

در روایاتی که از اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده، زهد حقیقی، به ایمان داشتن به این حقیقت تفسیر شده که همه‌ی سختی‌ها و نعمت‌ها از سوی خداست. البته در این مورد باید به دو نکته‌ی مهم توجه داشته باشیم. نخست این‌که منظور از سختی‌ها در این آیات، سختی‌هایی است که بدون دخالت و اختیار انسان، او را گرفتار می‌کند؛ مصایبی مانند زلزله، توفان، آفات گوناگون، انواع مرگ و میرها، و حوادثی که ناخودآگاه برای انسان پیش می‌آید؛ و الا مشکلاتی که نتیجه‌ی اشتباهات و ندانم‌کاری‌های خود انسان‌هاست، در مفهوم این آیات نمی‌گنجد. دوم این‌که داشتن زهد، به معنای تنبلی و سستی و در خانه نشستن نیست؛ بلکه زاهد حقیقی، کسی است که با جدّیت برای سعادت دنیا و آخرتش تلاش می‌کند؛ اما از لطف‌های خدا و نعمت‌های مادی او سرمست نمی‌شود و شکرگزاری می‌کند، و نیز در برابر مشکلات و مصایب زندگی بیتاب نمی‌شود و صبر می‌کند؛ زیرا همه را از سوی خدا می‌داند و با ایمان حقیقی می‌گوید: «هر چه از دوست می‌رسد، نیکوست.»

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ

ببراستی پیامبران را با معجزات و دلایل روشن فرستادیم و همراه ایشان، کتاب (آسمانی) و وسیله سنجش (حق و باطل) را نازل کردیم تا مردم به

والميزانَ لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ

عدالت رفتار کنند، و آهن را به وجود آوردیم که مایه سختی و شدت (و خون‌ریزی) در جنگ است، و (البته) منافع (بسیار) برای مردم دارد،

بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ

و (یکی از اهداف ایجاد آهن و سلاح) این (است) که خداوند، کسانی که او را - با این که پنهان است - و پیامبران را یاری می‌کنند، مشخص کند. خدا،

وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا

نبرومت و شکست‌ناپذیر است (و به یاری شما نیازی ندارد). ۲۵ ببراستی نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو،

وإبراهيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ

(موهبت) نبوت و کتاب (آسمانی) را قرار دادیم. پس برخی از آن فرزندان، هدایت‌یافته هستند، و بسیاری از ایشان،

مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم

نافرمان‌اند. ۲۶ سپس پیامبران‌مان را یکی پس از دیگری در پی آنان فرستادیم، و (پس از آنان،) عیسی پسر

بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا

مریم را فرستادیم و انجیل را به او دادیم و در دل پیروانش رأفت و مهریانی نهادیم؛ (ولی) رهایی‌ت را که

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَنِيَّةٍ ابْتَدَعُوهَا

(خودشان) ابداع کردند، بر آنان واجب نکردیم؛ بلکه طلب خشودی خدا را (بر آنان واجب ساختیم)؛ پس آن (رهبانیت) را (نیز)

مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِنَّ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ

چنان که شایسته‌اش بود، رعایت نکردند. در نتیجه، به کسانی از آنان که ایمان آوردند، پادشاهان را دادیم

رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ

و بسیاری از آنان نافرمان‌اند. ۲۷ ای مسلمانان، خود را از (خشم) خدا حفظ کنید و به پیامبرش ایمان آورید تا بهره‌های

فَلَسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ

فروانی از رحمت خویش به شما بدهد و نوری برایتان قرار دهد که به وسیله آن (در دنیا و آخرت، در مسیر حق) حرکت کنید و شما را

يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ

بیمارزد، (آری) خداوند بسیار آرزنده و مهربان است؛ ۲۸ (به مؤمنان دستور دادیم که تقوا پیشه کنند و به پیامبر ایمان آورند و به ایشان

بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَيْلًا يَعْلَمَ أَهْلُ

وعدهی فضل و رحمت دادیم) تا اهل کتاب بدانند که نمی‌توانند (در حالی که به پیامبر اسلام ایمان نیاورده‌اند) چیزی از لطف و عنایت خدا

الْكِتَابِ إِلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ

به دست آورند (و به خیال خود، نبوت را به خود اختصاص دهند)، و (تا) این (را بدانند) که لطف و عنایت (الهی و اعطای نبوت، تنها)

بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

به دست خداست، (و) آن را به هر کس که بخواهد، می‌دهد. (آری)، خداوند، لطف و عنایت بزرگ دارد. ۲۹

۲۵. یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران: از آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام استفاده می‌شود که خداوند از فرستادن پیامبران، اهداف متعددی داشته است. عبادت خدا و دور کردن مردم از پرستش بت‌ها و اطاعت کافران طغیانگر، آشنا کردن مردم با آیات خدا و پاک شدن روح و جان آن‌ها و آموختن کتاب آسمانی و حکمت به آنان، رها کردن انسان‌ها از قید و بندهای جاهلانه و رشد اخلاقی مردم، بعضی از اهداف مهم بعثت پیامبران است که قرآن و پیشوایان ما برشمرده‌اند. آیهی مورد بحث نیز به یکی از این اهداف اشاره می‌کند. به فرموده‌ی این آیه، یکی از اهداف مهم پیامبران، «اجرای عدالت در جامعه» است: این‌که ظلم و ستم از میان مردم رخت بریندد و هر کس در آزادی تمام، به حق خود برسد و در آرامش، از آن بهره برد؛ عدالت در خانواده، مدرسه، محل کار، دادگاه، بازار و... برقرار شود و هیچ‌کس از ضایع شدن حقش نترسد.

جالب توجه این‌که به فرموده‌ی این آیه، هدف از بعثت پیامبران این است که عدالت را خود مردم برپا کنند، و نه پیامبران. یعنی مردم به چنان آگاهی و رشدی برسند که خودجوش، خواستار اجرای عدالت باشند، و بزرگ‌ترین دغدغه‌ی هر کس در محدوده‌ی اختیاراتش، اجرای عدالت باشد. آری، اجرای عدالت، بزرگ‌ترین آرزوی پیامبران و آزادمردان جهان بوده و هست. در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌خوانیم: «من [بارها و] نه در یک جا از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که فرمود: هیچ امتی پاک نمی‌شود مگر این‌که حق انسان ضعیف، بدون ترس و با صراحت، از افراد قدرتمند گرفته شود.» در روایات فراوانی می‌خوانیم که اصلی‌ترین عملکرد حضرت مهدی علیه‌السلام پس از ظهور، «پرکردن زمین از عدل و داد» است.